

تشریح فا هنگام جشن فانوس سال ۲۰۰۳ در کنفرانس فای غرب ایالات متحده

(لی هنگجی، بعدازظهر ۱۵ فوریه ۲۰۰۳، در لس آنجلس)

(بخش ۱ از ۲)

معلم: حالا که درباره اش فکر می‌کنم، انگار بعد از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ در کنفرانس فای نشسته‌ام که پرسش‌هایتان را پاسخ بدهم، درست است؟ (تشویق گرم) (پاسخ: "بله") پس امروز از این زمان منحصرأً برای پاسخ دادن پرسش‌هایتان استفاده می‌کنم. (تشویق) مسائلی را که مدت‌های طولانی در تزکویه شخصی‌تان، روند اعتباربخشی به فای، یا در مسائلی که با آن‌ها روبرو شده‌اید نتوانسته‌اید حل کنید-- می‌توانید تمام آن‌ها را مطرح کنید. وقت هنوز هم کم است، برای همین به پرسش‌های همه نمی‌توان جواب داد، ولی استاد هر تعدادی را که ممکن باشد جواب می‌دهد. (تشویق)

پرسش: سلام استاد. از طرف تمام گروه مریدان دافای شن‌یانگ به استاد درود می‌رسانیم.

معلم: متشکرم. (تشویق) در مورد وضعیت تمرین کنندگان در چین همه چیز را می‌دانم.

پرسش: مریدان دافا از چنگ‌دو به استاد درود می‌رسانند.

معلم: متشکرم. (تشویق)

پرسش: مریدان دافای پکن به استاد درود می‌فرستند. (تشویق) لطفاً اجازه دهید به نمایندگی از مریدان دافای شانگهای

درویشان را به استاد برسانم.

معلم: متشکرم. (تشویق) بگذارید از درودها چشم‌پوشی کنیم، چون همه‌ی آن درودهایی که برای استاد فرستاده شده‌اند را

روی وب‌سایت مینگ‌هوئی خوانده‌ام. (تشویق)

پرسش: ما در کارمان غالباً فرصت تعامل با بعضی از مسئولان رده بالایی دولت چین را داریم. چگونه می‌توانیم بهتر برای

آنها حقیقت را آشکار کنیم؟

معلم: در حقیقت، در خصوص جزئیات چگونگی انجام کارها، شما تا به حال آن‌ها را به انجام رسانده‌اید، و در اعمال‌تان

همگی بسیار خوب عمل کرده‌اید. اینکه کارها خوب انجام شوند یا نه، به مریدان دافا مربوط است، و در رابطه با اینکه فردی از

این دنیا چه انتخابی می‌کند، به او مربوط می‌شود. اما در نجات موجودات ذی‌شعور، هرکاری هم که کنید، هنوز هم گروهی از

موجودات خواهند بود که نمی‌توان نجات‌شان داد. در آشکارسازی حقیقت، تلفن زدن به چین، و در اینترنت، به افرادی بخواهید

خورد که اصلاً نمی‌شود نجات‌شان داد. اما اصلاً تحت تأثیر این قرار نگیرید، و هر تعداد ممکن از آن‌هایی را که می‌توانند نجات

یابند نجات دهید.

در آشکارسازی حقیقت، هیچ توجهی به موقعیت اجتماعی طرف مقابل نکنید، و نوعی عقیده نداشته باشید-- قبل از هر چیزی آنها مردم هستند، و همه‌شان فرصتی دارند که آینده‌ی خود را انتخاب کنند. حرفه‌اش هر چه هم که باشد، او قبل از هر چیز لازم است آینده‌ای داشته باشد، و این مهم‌ترین مسئله برای هر فرد است. در آشکارسازی حقیقت، وقتی روی موضوعات بنیادی یک فرد انگشت می‌گذارید، و هم‌زمان او احساس کند که مریدان دافا واقعاً در حال نجات او هستند، آن وقت فکر می‌کنم جنبه‌ای از او که موضوعات برایش روشن است خودش را نشان می‌دهد.

چینی‌هایی که در خارج زندگی می‌کنند پیوندهای بی‌شماری با سرزمین چین دارند، زیرا بستگان و دوستان‌شان همه در چین هستند، و عده‌ی بسیار زیادی از افراد وجود دارند که اغلب در رفت و آمد هستند. وقتی وضعیت مربوط به دافا را در اطراف دنیا می‌بینند زمانی که در چین هستند درباره‌اش صحبت می‌کنند، با خانواده و دوستان‌شان در مورد این حرف می‌زنند-- آنها یک نوع رسانه‌ی نفر به نفر هستند. صرف نظر از اینکه چه اندازه در مورد دافا بفهمند، قادر باشند آن را متوجه شوند یا نه، برمی‌گردند و به مردم راجع به وضعیت می‌گویند. و مخصوصاً در رابطه با آن مسئولان دولتی، به موقعیت مسئولیتی فرد نگاه نکنید. در گذشته زمانی که استاد این دافا را پخش می‌کرد، من نیز فقط به فرد نگاه می‌کردم و به موقعیت اجتماعی‌اش نگاه نمی‌کردم، به این نگاه نمی‌کردم که هر گروهی چگونه سازمان یافته است، و به این نگاه نمی‌کردم که شغل خوبی داشتند یا نه-- به هیچ چیزی بجز ذهن فرد نگاه نمی‌کردم. نباید او را نوعی "مسئول رده بالا" در نظر بگیرید، چراکه در حال نجات زندگی او هستید. آن فقط یک شغل در این مکان مردم عادی است. امروز به آنها اجازه داده می‌شود این کار را انجام دهند، پس یک مسئول هستند، و فردا اگر به آنها اجازه داده نشود این کار را بکنند اصلاً هیچ چیزی نخواهند بود. پس در عرضه کردن رهایی به مردم و نجات مردم، به آن چیزها نگاه نمی‌شود.

پرسش: چرا نیروهای کهن در کیهان، دو نظام اجتماعی تماماً متفاوت را در این دنیا نظم و ترتیب دادند؟

معلم: این واقعاً موضوعی است که صحبت زیادی می‌برد. فقط به اختصار از یک زاویه راجع به آن صحبت می‌کنم. شما می‌دانید که امپراتوری روم ۲۰۰۰ سال پیش بسیار قدرتمند بود. در حقیقت، هر وقت ملت یا اشخاصی بر دنیا حکمرانی می‌کنند، این افتخاری است که خدایان به آنها می‌دهند. اما اگر برگردند و خدایان را شکنجه و آزار کنند، آن وقت خدایان آن افتخار را پس گرفته و سخت آنها را مجازات می‌کنند. نیروهای کهن در تاریخ می‌خواستند گواهی برای فای درست آینده به جای بگذارند، همچنین می‌خواستند مسیحیان آن زمان کارمیشان را در بین محنت‌ها از بین ببرند، تقوای عظیم خدایان را بنا کنند، و آن میراث را به جای بگذارند، پس فردی به نام نرون را برای پادشاهی روم انتخاب کردند. او اخلاقیات مردم را پایین آورد، کارهای احمقانه و بد بسیاری انجام داد، و با شکنجه‌ی مسیحیان عملی بسیار شیطانی را انجام داد. و بنابراین امپراتوری قدرتمند و توانگر روم از آن زمان به بعد رو به زوال گذاشت.

نیروهای کهن بر این باورند که آن نرون در اصلاح- فای امروز برای مریدان دافا کافی نبود، پس مجبور بودند موجود شریری که از آن هم پست‌تر، ابله‌تر، و بی‌شرم‌تر باشد پیدا کنند، و در عین حال قبل از اشاعه‌ی گسترده‌ی دافا در دنیا چیزی بسازند، چیزی برای دافا در آینده، و آن چیز، آن باید قادر می‌بود تا آن حد مورد استفاده قرار بگیرد، بنابراین این چیز حزب xxx بود. آن را ساختند، و مجبور بودند، طی فرایندی در تاریخ، به آن اجازه دهند که در حکمرانی با زور، تجربه جمع کند و اجازه دهند که در تلاش برای بقای خودش در بین بحران‌های دائمی، انواع و اقسام ترفندهای اعمال زور را پرورش دهد. وادار شد تا بر اساس الحاد، باور به خدایان را از میان بردارد، چون مردم دنیا که به خدایان باور داشتند هرگز نمی‌شد به وضعیتی دلخواه برسند، وضعیتی که مردم از هیچ خدا یا اقتدار آسمان ترسی نداشته باشند، و بشر علیه آسمان، زمین، و انسان‌های هم‌نوع خود بجنگد. این روند تقریباً ۱۰۰ سال ادامه داشت، و همان موقع که روی آن کار می‌کردند چگونگی پایان دادن به آن را در نظر گرفته

بودند، بنابراین طوری که شروع شد نیز قطعاً باشکوه نبود. در واقع همه‌ی ما می‌دانیم که کمون پاریس ۱۸۷۱ دسته‌ای از اراذل در جامعه بود که یاغی‌گری می‌کرد.

این‌طور نیست که درحال توهین به حزب xxxx هستیم، و دلیلش این است که آنها هم از خودشان به عنوان "اراذل طبقه‌ی کارگر" نام می‌بردند. یادم است که دوران انقلاب فرهنگی که مطالعات سیاسی داشتند، این موضوع مورد بحث قرار گرفت، که افراد در مورد این صحبت می‌کردند که آیا کشمکش با آن "اراذل" اجتماع، کشمکشی با دشمنان بود یا کشمکشی در میان مردم. وقتی روی این مطلب بحث بود، بعضی افراد می‌گفتند که مشکل با آن اراذل را می‌توان هم‌سطح تضاد با دشمن در نظر گرفت، و دیگران مخالف بودند. دلیل مخالفت این بود که می‌گفتند کمون پاریس ۱۸۷۱ نهضتی از اراذل بود، و آن جد حزب xxxx ما است. این شوخی نیست، چون آنها واقعاً "اراذل طبقه‌ی کارگر" را تصدیق می‌کردند، اما حالا فکر می‌کنند که خیلی خوب به نظر نمی‌رسد، برای همین کلمه‌ی "اراذل" را بیرون آوردند و فقط می‌گویند "طبقه‌ی کارگر".

آن مخالف کیهان است، یا طوری دیگر بیان کنیم، دو نوع عناصر در کیهان، مثبت و منفی، همگی بر ضد آن هستند. در واقع، این کیهان از دو نوع عنصر حیات تشکیل شده است، مثبت و منفی، پس به بیانی دیگر حتی کیهان هم بر ضد آن است. بنابراین، بوداها، دائوها، خدایان، و اهریمنان کیهان همه می‌خواهند از آن خلاص شوند، بنابراین دائماً با این احتمال روبرو است که لایه‌ای بعد از لایه‌ای دیگر احاطه شود و از بین برود. ولی، خود پیدایش آن موضوع ساده‌ای نبود، و اجازه دادن به این که نزدیک ۱۰۰ سال خودش را نگه دارد نیز موضوع ساده‌ای نبوده است. علتش این است که نیروهای کهن کیهان بعد از آبدیده کردنش تا مرحله‌ی پختگی، آن را برای دافای امروز آماده می‌کردند، و همچنین به خاطر این که هیچ قدرت سیاسی‌ای در دنیای انسانی نمی‌توانست چنان کارهایی انجام دهد. اما، چرا به چنان زمان طولانی‌ای نیاز بود؟ گفته‌ام که لازم بود تا آن حد آبدیده شود، پس نیاز داشت از میان روندی عبور کند، و آن روند برایش خطرناک بود چون تمام کیهان برضد آن است. هر چه باشد، موجودات روی زمین با موجودات در آسمان‌ها تناظر دارند، پس، از زمین گرفته تا آسمان‌ها، موجودات تمام کیهان همگی تهدیدی برای آن محسوب می‌شدند. بنابراین نیروهای کهن سپس باید به راه‌هایی فکر می‌کردند که آن را حفظ کنند. پدیده‌ها در سطح عادی بشری می‌تواند پدیده‌ها در آسمان‌ها را منعکس کند. نیروهای کهن در آسمان‌ها به طور مستقیم امور را کنترل می‌کردند، و مردم روی زمین نیز بسیار مهم بودند و نمی‌شد در سطح از بین بروند، پس به آن اجازه داده شد که به تعادل نظامی برسد، و هم‌زمان بلوک بزرگی شکل دهد.

در جوامع عادی، مردم و دولت‌ها به سبکی معمولی که خدایان کیهان به انسان‌ها داده‌اند زندگی می‌کنند. پس برای اینکه این عنصر، یعنی حزب را از بین برد، خدایان بسیار کیهان باعث شدند که ملت‌های معمولی روی زمین از نظر نظامی قوی شوند. ولی این قوی‌سازی تهدیدی برای آن محسوب می‌شد، پس نیروهای کهن آن را هم قوی کردند. برای همین است که رقابت تسلیحاتی در دهه‌ی ۶۰ قرن اخیر ظاهر شد-- انسان‌ها در بحران جنگ سرد بودند، رقابت با یکدیگر از نظر نظامی، توسعه‌ی صنعت نظامی در مقیاسی وسیع، و تحقیق در زمینه‌ی سلاح‌های مدرن و تولید آنها. هدف نیروهای کهن این بود که مانع از این شوند که قبل از استفاده شدنش ضعیف شود یا قابلیت خود را از دست بدهد، پس هر طور هم که شده بود باید حفظ می‌شد و باید از میان آن روند در تاریخ عبور می‌کرد، و در عین حال در میان بحران‌ها باید استبدادگراتر می‌شد. واقعاً برای آن سخت بوده که تا اینجا جان به در ببرد. اما مجاز نبود که وقتی زمان به کار گرفتنش سر می‌رسید بیش از حد قدرتمند باشد؛ مدت‌ها قبل، ائتلاف بسیار بزرگ بود.

حالا من تعمداً آن حزب را مورد انتقاد قرار نمی‌دهم-- در حال صحبت درباره‌ی این هستیم که این کیهان دقیقاً چگونه چیده شد. ما درگیر سیاست نمی‌شویم، اما درباره‌ی همه چیز می‌دانم، و البته، فقط وقتی که مریدان دافا را شکنجه کرده‌اید در مورد دلایل پشت آن صحبت می‌کنم. بگذارید درباره‌ی سؤالی که پرسیده شد بیشتر بگویم. پس وقتی زمان به کار گرفتن آن

بود، نمی‌توانست آن قدر بزرگ باشد. تمام مردم دنیا باید نجات داده می‌شدند، پس اگر کشورهای بسیار زیادی بودند که آن نظام را داشتند، مردم آن مکان‌ها چگونه می‌توانستند نجات پیدا کنند؟ پس نیروهای کهن کاری کردند که اقتصاد جوامع معمولی به سرعت نزول کند، و هم‌زمان آن سیستم عظیمی را که با زحمت، یک قرن حفظ شده بود از هم پاشیدند. آن شکل فروپاشی باعث اقدام متقابل یا کشمکش نمی‌شد— یک فروپاشی پیوسته و نرم بود. فقط آن مکان، چین، را باقی می‌گذاشت، چون قرار بود دافا در آنجا اشاعه داده شود— آن حزب تا وضعیت رضایت‌بخشی آبدیده شده بود و قرار بود که در آنجا مورد استفاده قرار بگیرد، بنابراین این تنها مکانی بود که باقی ماند، در حالی که در بقیه جاها فروپاشید. این دلیل آن است که چرا در زمان ما، ۱۰۰ سال پس از پیدایش آن، یک‌دفعه فروپاشید— چیزی که مردم دنیا تصورش را هم نمی‌کردند. خدایان به طور مطلق همه چیز نژاد بشر را کنترل می‌کنند، و انسان‌ها هرگز کنترل سرنوشت خود را در دست نداشته‌اند— تمام آن از بالا کنترل می‌شود. پس از آن، چین خیلی منزوی به نظر می‌آید، بنابراین تعداد کم کوچکی باقی گذاشته شده‌اند، مثل کره‌ی شمالی و مانند آن، که از نظر قابلیت اقتصادی و نظامی نمی‌توانند در مقیاس بزرگ کاری از پیش ببرند، ولی نقش همراه را دارند، و به آن ذره‌ای امید بقا می‌دهند.

بنابراین شما این را دیده‌اید، در چند دهه‌ی اخیر ایالات متحده از نظر نظامی و نیز اقتصادی بسیار قدرتمند بوده است، و ایالات متحده همیشه در اداره‌ی بسیاری از موضوعات درگیر می‌شود، مثل نقض حقوق بشر، نقض آزادی مذاهب، و غیره، و حفظ حد معینی از عدالت در جامعه‌ی بین‌المللی. این‌ها چیزهایی نیستند که مردم بتوانند به وضوح توضیح دهند. دسته‌ی ارادلی که مریدان دافا را شکنجه و آزار می‌کنند می‌گویند که ایالات متحده پلیس بین‌المللی است. درحقیقت، ایالات متحده واقعاً پلیس بین‌المللی است، آن طور که نیروهای کهن نظم و ترتیب داده‌اند. چین صحنه‌ی اجرای این نمایش تاریخی است، و کشورهای سراسر دنیا حضار و نیز بازیگران هستند. اما، نظم این اجتماع را لازم است کسی برقرار کند— نمی‌شد نظارتی روی آن نباشد. در گذشته اصول این مکان به این صورت بود که پیروز به کشور حکومت می‌کند، دنیا با نیروی نظامی فتح می‌شود، و نیرومندان قهرمانان هستند. این بر عکس اصول کیهان است. اما دلیل این که می‌توانید این کار را انجام دهید این است که خدایان اجازه‌ی انجام این کار را به شما می‌دهند— اگر بتوانید آن را خوب انجام دهید، خدایان به شما شکوه می‌دهند و اجازه می‌دهند نیرومند و کامیاب باشید. این قانون بشر در گذشته بود. اگر تمام نژاد بشر صلح‌طلب شوند، ایالات متحده به میل خود از آن نقش تاریخی کناره می‌گیرد. چیزی که درباره‌ی آن صحبت کرده‌ام نظم و ترتیب نیروهای کهن برای این امر است، این جایی است که از آن آمد.

پرسش: این اواخر قدری مشکل و سردرگمی در رابطه‌ام وجود داشته (حضار می‌خندند)، و سختی خیلی زیادی در این زمینه تجربه کرده‌ام.

معلم: می‌توانم به این صورت به شما پاسخ بدهم. تا زمانی که در این محیط اجتماع افراد عادی هستید، خواه انسان باشید، سنگ، گیاه، یا حیوان، همه در احساسات غوطه‌ورید، و حتی فاصله‌ی بین ذره‌ها غوطه‌ور در احساسات است. بنابراین برای یک فرد عادی ممکن نیست که از احساسات فرار کند. فقط از طریق تزکیه می‌توان این کار را کرد. اما در خصوص شکلی که تزکیه‌ی ما امروز می‌گیرد، از قبل به شما گفته‌ام که چه نوع شکلی از تزکیه است: با باقی داشتن آن مقدار کم چیزهای افراد عادی، در زمان حاضر می‌توانید به فا اعتبار ببخشید. بدون آن مقدار کم از چیزهای افراد عادی، به شما می‌گوییم، نمی‌توانستید اینجا به فا اعتبار ببخشید، چه رسد به موضوع نجات موجودات ذی‌شعور. غیرممکن است که خدایان اینجا فا را اصلاح کنند، خدایان بیایند موجودات ذی‌شعور را نجات دهند— کافی که هست بیش از حد بزرگ است. هیچ راهی نیست که خدایان بتوانند انسان‌ها را آن قدر مهم در نظر بگیرند. فقط با بودن در بین انسان‌ها می‌توانید موجودات اینجا را چیز مهمی در نظر بگیرید، و فقط به خاطر این که هنوز چیزهای بشری در سطح باقی دارید است که می‌توانید این کار را انجام دهید.

شما می‌دانید که موجودات انسانی یک سطح از کیهان هستند، و سطحی که نمی‌توان از قلم انداخت، پس باید نجاتش داد و فا باید درست باشد. پس وقتی شما آن یک ذره از چیزهای بشری را دارید قادرید که کار دافا انجام دهید و تزکیه کنید. ولی، اگر توجه کافی نداشته باشید با شما مداخله می‌کند-- آن [مسئله] از اینجا ناشی می‌شود. اخیراً چند مقاله خواندم که تمرین‌کنندگان آنها را نوشته بودند، و یکی از آنها نوشته‌ی کسی بود که آواره و سرگردان است. او از این می‌گفت که چطور همسرش یک مرید دافا است و چقدر او عالی است، ولی در آن کلمات احساسات او را دیدم. و فرد دیگری بود که راجع به این می‌گفت که شوهرش چقدر عالی است، و آنجا هم احساسات را دیدم. نمی‌گویم کار اشتباهی کردید. بعضی افراد عادی هم آن مقاله‌ها را می‌خوانند، و در مدت اصلاح- فا وقتی افراد عادی آنها را می‌خوانند مؤثر هستند، برای همین نمی‌توانم بگویم که خوب نیست. در واقع، صرفاً به‌خاطر آن یک ذره چیزهای بشری که هنوز دارید بود.

ولی فکر می‌کنم به عنوان تزکیه‌کننده نباید به آن صورت تحت تأثیر احساسات باشید. با این وجود ممکن است فکر کنید، "اگر واقعاً در این مورد خوب تزکیه کنم، اگر واقعاً تحت تأثیر احساسات نباشم، مثل یک تخته سنگ بزرگ می‌شوم". خیر، اصلاً این‌طور نیست-- تزکیه‌کنندگان نیک‌خواه هستند، و اگر وقتی افکار درست‌تان واقعاً قوی باشند به موجودات ذی‌شعور نگاه کنید، آن وقت درباره‌ی آن فکر کنید، آیا چنان مسئله‌ای هنوز هم اتفاق می‌افتد؟ البته، بعضی اوقات می‌گویید که سخت تلاش کرده‌اید ولی باز هم نمی‌توانید آن را انجام دهید. پس با آن تلاشی که صرف کردید، آیا سعی‌تان این بود که صرفاً آن مسئله‌ی مشخص را حل کنید؟ آیا وضعیت تزکیه‌ی شما واقعاً به آن نقطه رسید؟ البته، فقط در مورد تزکیه‌کننده‌ای که پرسش را مطرح کرد صحبت نمی‌کنم. هر طور هم که باشد، به عنوان تزکیه‌کننده لازم است با آن درست برخورد کنید و گرنه نیروهای کهن برای‌تان دردسر درست می‌کنند. جز برای شاگردان جدیدتر، از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ به بعد، استاد هیچ آزمایش تزکیه‌ی شخصی برای شما درست نکرده است، و علتش این است که در مجموع تزکیه‌ی شخصی شما از هر نظر تغییر کرده، به طوری که در جهت نجات موجودات ذی‌شعور و اعتباربخشی به دافا است. (تشویق)

پرسش: آیا همه‌ی افرادی که در آشکارسازی حقیقت با آنها روبرو می‌شویم افرادی هستند که با ما روابط تقدیری دارند؟ آیا موجودات ذی‌شعور دنیای ما هستند؟

معلم: بدن‌های قانون من به این صورت ترتیب می‌دهند، و نیروهای کهن هم همین‌طور. البته، شاید شما در آشکارسازی حقیقت خیلی توانا باشید، و قادر باشید به طریقی که حقیقت را آشکار می‌کنید روی افراد بیشتری تأثیر بگذارید، پس شاید از شما خواسته شود موجودات ذی‌شعوری را نجات دهید که ارتباط مستقیمی به شما ندارند. با نیک‌خواهی، راه‌هایی برای تغییر آنها خواهید داشت. امکان چنین وضعیتی هست. این معنی را هم دارد که وقتی به نجات موجودات ذی‌شعور می‌رسد، تفکیک مسئولیت‌ها به کسانی که مال من هستند و آنهایی که نیستند در کار نیست. نمی‌توانید بین آنها تمایز قائل شوید. این تفاوت قائل شدن می‌بود، و این نیک‌خواهی یک موجود روشن‌بین بزرگ نیست. مثل افراد عادی نیست که من به طور خاص با افراد خانواده‌ام خوبم و با بیگانه‌ها قضیه فرق می‌کند. مگر می‌شود؟ نیک‌خواهی... نیک‌خواهی... این یک احساس انسانی نیست.

پرسش: مریدان دافای استان سی‌چوآن و خانواده‌هایشان به استاد درود می‌فرستند.

معلم: متشکرم. (تشویق)

پرسش: مریدان دافایی که در زندان‌ها، اردوگاه‌های کار اجباری، مراکز بازداشت، و بیمارستان‌های روانی در مکان‌های مختلف سی‌چوآن شکنجه می‌شوند به استاد درود می‌فرستند.

معلم: متشکرم. (تشویق) از وضعیت سی‌چوآن هم اطلاع کامل دارم. استاد کاملاً مطلع است.

پرسش: در مواجهه با شکنجه و آزار نیروهای کهن، انسجام بین میدان دافا بسیار مهم است. چطور می‌توانیم به سرعت به صورت کل رشد کنیم؟

معلم: می‌دانید، من هرگز درباره‌ی کلمه‌ی "اتحاد" صحبت نکرده‌ام، و علتش این است که آن درباره‌ی این است که مردم عادی چیزی را به زور انجام می‌دهند، آن یک شکل است. چیزی که تزکیه‌کنندگان درباره‌ی آن صحبت می‌کنند رشد در شین‌شینگ است، رشد بنیادی. یک تزکیه‌کننده باید هرچه را که لازم است انجام شود بداند، و اگر او خوب عمل نکند، می‌گویم علتش این است که فا را خوب مطالعه نکرده است، درست است؟ چه کاری باید کرد و چه کاری نباید کرد، آیا همگی درباره‌ی این روشن نیستیم؟ در واقع باید برای‌مان روشن باشد. ولی، هر منطقه‌ای افرادی را برای ارتباط دارد، و انجمن‌های دافا و مراکز دستیاری وجود دارند، پس به بیان دیگر به‌طور کلی یک نیاز برای هماهنگی وجود دارد. بنابراین چنین وضعیتی که هر وقت کسی فکر کند حالا باید چه کاری انجام دهیم یا فردا چه کاری لازم است انجام داد و همه بلافاصله باخبر شوند، در حال حاضر هنوز نمی‌توانیم به این نقطه برسیم، بنابراین نیاز بود افرادی را داشته باشیم که قدم جلو گذارند تا هماهنگی و ارتباط را انجام دهند، این نوع کارها را انجام دهند. در حال حاضر، خواه میدان دافا به صورت گروهی به فا اعتبار می‌بخشند یا به صورت فردی حقیقت را آشکار می‌کنند، همه‌ی آنها چیزهایی هستند که دافا لازم می‌داند. تا زمانی که اصلاح- فا آن را لازم بداند، باید آن را به خوبی انجام دهید، و جایی برای بحث نیست. و به خاطر نقش‌هایتان خودپسند و شیفته نشوید، و فکر نکنید که با بقیه فرق دارید. هر یک از شما، یک ذره هستید. و در چشم من هیچ کسی بهتر از هیچ کس دیگری نیست، چراکه همه‌ی شما را هم‌زمان بیرون کشیدم. (تسویق) در ارتباط با مسئله‌ای بعضی‌ها توانایی بیشتری دارند، دیگران در کار دیگری تواناترند-- قطعاً نباید اجازه دهید افکارتان بر پایه‌ی این موضوع لگام‌گسیخته شوند. می‌گویید چنین توانایی‌های بزرگی دارید، و غیره و غیره، ولی تمام آن‌ها را فا به شما بخشید! در حقیقت، اگر نمی‌توانستید به آن سطح از توانایی‌ها برسید عملی نمی‌بود. اصلاح- فا لازم می‌داند که خرد شما به آن نقطه برسد، پس قطعاً نباید فکر کنید که خیلی لایق و توانمند هستید. بعضی از تمرین‌کنندگان می‌خواهند من توانایی‌ها و مهارت‌هایشان را بازبینی کنم. ولی حقیقتش، چیزی که فکر می‌کنم این است که، همه‌ی آن چیزها را من دادم، پس نیازی به نگاه انداختن نیست. (حضر می‌خندند، تسویق)

پرسش: بعضی اوقات واقعاً خیلی احساس سرگستگی می‌کنم. حقیقتاً سخت است که هنگام تزکیه احساسات (چینگ) را رها کرد، و انگار که از همان شروع تزکیه‌ام، هر آزمایشی آزمایش احساسات است، انگار که مشکل‌ترین آزمایش در زندگی آزمایش احساسات است.

معلم: به گمانم همه خوب شنیدید، درست است؟ شما با احساسات به صورت یک آزمایش رفتار کرده‌اید، و علتش این است که آن را رها نکرده‌اید، پس دائماً مجبورید آن را بگذرانید. (حضر می‌خندند) اما مجبورتن نمی‌کنم که همگی امروز آن را رها کنید، فقط این را به طور واضح به شما اشاره می‌کنم. نمی‌گویم می‌توانید درجا این کار را انجام دهید. وقتی به شما می‌گویم موضوع از چه قرار است، فقط باید فا را بیشتر مطالعه کنید. زمانی که افکار درست قوی‌تر و قوی‌تر شوند، زمانی که حقیقتاً نسبت به موجودات ذی‌شعور نیک‌خواهی داشته باشید، آن موقع دیگر هیچ احساسی نخواهد بود که باعث اذیت شما شود، و هیچ کدام از اعضای خانواده‌تان که با آنها مسئله‌ی احساسات دارید دوباره نمی‌گویید نسبت به او بی‌عاطفه‌اید، و هیچ تضاد دیگری به خاطر موضوع احساسات وجود نخواهد داشت. می‌توانید هر چقدر بخواهید راجع به آن حرف بزنید، ولی باز هم این به شما برمی‌گردد که لازم است رشد کنید.

می‌توانم حالت فکری شما را حس کنم-- "سخت است، واقعاً سخت است". اما آیا آن هزاران سال را منتظر همین امروز نبودید؟! آیا کمال آینده‌تان را می‌توان با این چیز ناچیزی که امروز تحمل می‌کنید مقایسه کرد؟! (تسویق) خوب، بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم، اگر امروز اینجا نبودم که شما را نجات دهم و یکی از شما بودم، باید بگویم، برایم خیلی آسان می‌بود که آن

چیزهای کوچک را رها کن! (تسویق) احتمالاً صرفاً برای اینکه استاد از تمام آن مسائل خبر دارد است که این را می‌گویم، ها ها. (معلم می‌خندد)

پرسش: به خاطر وابستگی‌ها، مدتی طولانی در وضعیت بدی بوده‌ام. می‌خواهم کار دافا را خوب انجام دهم، با این وجود می‌ترسم که وضعیت ضعیف من روی بقیه‌ی تمرین‌کنندگان اثر بگذارد. آیا باید کار را کنار بگذارم و مدت‌زمانی را واقعاً تلاش زیادی صرف تزکیه کردن خودم کنم؟

معلم: اگر درحالی که کار دافا انجام می‌دهید فا را مطالعه می‌کنید روی هیچ چیزی تأثیر [منفی] نمی‌گذارد. استاد هیچ مخالفتی با این موضوع ندارد. همچنین، افرادی که اینجا هستید، خواه محصل هستید یا شغلی دارید، هیچ یک نمی‌توانید در نقشی که در جامعه‌ی مردم عادی ایفا می‌کنید کوتاهی کنید. همگی باید در هر کاری که باید انجام دهید خوب عمل کنید، و در عین حال این کار، کار اعتباربخشی به دافا و آشکارسازی حقیقت‌تان را راحت‌تر می‌کند. وگرنه، حتی اگر نتوانید وضعیت مالی باثباتی داشته باشید، اگر همه روزه مجبور باشید نگران سرپناه و خوراک باشید، اگر به [تأمین] پایه‌ای‌ترین نیازهای زندگی اطمینانی نباشد، چگونه می‌توانید انرژی اضافه‌ای داشته باشید که به فا اعتبار ببخشید؟ آیا این مداخله نیست؟ گرفتاری‌های غیرضروری برای خودتان درست نکنید، و بدون فکر کافی همین‌طوری به دنبال کاری نروید. اگر منبع درآمد بهتری دارید و می‌خواهید روش زندگی‌تان را تغییر دهید، من مخالفش نیستم. چیزی که می‌گویم این است که اگر همه‌ی شما بروید و دست از کار کردن بکشید کلاً غیرقابل قبول است.

آیا می‌دانید این شکل تزکیه‌ی مریدان دافای امروز چقدر مهم است؟ در آینده، اینجا در این مکان انسان‌ها، این که یک انسان یک خدا شود دیگر افسانه نخواهد بود. پیش از این در این مکان انسان‌ها، وقتی مردم راجع به تزکیه‌ی این و تزکیه‌ی آن صحبت می‌کردند، همه‌اش صرفاً تزکیه کردن روح کمکی بود-- انسان‌ها اصلاً تزکیه نمی‌کردند. در آینده، آینده‌ای که درحال تکوین آن هستید، در این مکان مسیر خدا شدن را برای انسان‌ها به جای گذاشته‌اید! هرچیزی که امروز انجام می‌دهید تمرین واقعی‌ای است که در آینده به عنوان سرمشق استفاده می‌شود، [از جمله این جنبه‌ی] قادر بودن به تزکیه به هنگام انجام کار افراد عادی. اگر به افراط و تفریط بروید این مسیر را خراب می‌کنید، پس نمی‌توانید به افراط و تفریط بروید. باید صرفاً به‌طور باز و باوقار کاری را که در جامعه باید انجام دهید به خوبی انجام دهید، و سپس تزکیه کنید. آنگاه قطعاً می‌توانید به استانداردی که تزکیه‌کنندگان باید به آن برسند، به استاندارد کمال، برسید چون این مسیری است که مردم آینده برمی‌گزینند.

اجتماع بشری آینده، اجتماعی بدون مذهب است، و هرکسی بخشی از جامعه خواهد بود، مردم در هر چیزی از آن جامعه شرکت دارند، و شاید حقایق فا در این سطح موجودات بشری و معانی درونی‌شان در سطوح بالاتر، در جای‌جای کتاب‌های درسی که دانش‌آموزان می‌خوانند درآمیخته شود. بنابراین در این اصلاح-فا، دارد برای بشر ممکن می‌شود که خدا شود. این تغییری در این سطح موجودات انسانی نیست-- [بلکه] این شامل هماهنگ کردن و کامل کردن سیستماتیک تمام سیستم کیهانی می‌شود، این هماهنگ کردن و بی‌عیب و نقص کردن فا است. چنین رویدادی که مردم خدایانی که اینجا هستند تا مردم را نجات دهند شکنجه کنند دیگر وجود نخواهد داشت. وضعیت‌هایی مثل به صلیب کشیدن عیسی مطلقاً هرگز دوباره اجازه داده نخواهد شد که اتفاق بیفتد. پس اینکه ما چگونه در این مکان افراد عادی مسیر تزکیه را به خوبی بیماییم بالاترین اهمیت را پیدا کرده است.

پرسش: مریدان دافا چگونه می‌توانند طی اصلاح-فا سهم‌مان را به صورت کل انجام دهند؟

معلم: با همدیگر همکاری و هماهنگی کنید. وقتی به صورت گروهی، خودتان تنها، یا باهم با تعداد کم، کارها را انجام می‌دهید لازم است خوب همکاری و هماهنگی کنید. با فا که اینجاست واقعاً مرتکب اشتباه نمی‌شوید، زیرا تا حد بلوغ آبدیده شده‌اید و باید بدانید که چه کار کنید. در این دوره‌ی اخیر، من در هیچ کاری که انجام داده‌اید یا به میان نگذاشته‌ام، اما درحال

نظاره‌ی همه‌ی مشکلات گوناگونی بوده‌ام که توجه‌ام را جلب کرده‌اند. علتش این است که نمی‌توانم بگذارم تا ابد به من متکی باشید، و نمی‌توانم شما را از تمام فرصت‌های بنا کردن تقوای عظیم خودتان محروم کنم. مجبورید مسیر خودتان را ببیماید، و لغزیدن و زمین خوردن اشکالی ندارد، شما می‌دانید چطور خودتان را بلند کنید، و می‌دانید که چطور برای همه‌ی چیزهایی که انجام می‌دهید ارزش قائل شوید، و بعدش هر کاری را باز هم بهتر انجام دهید. پس دیگر دست‌تان را نمی‌گیرم. تا جایی که بشود سعی می‌کنم کاری کنم بیشتر روی امور تفکر کنید، و این یعنی دادن فرصت‌هایی به شما، دادن فرصت‌هایی تا خودتان مسیر را ببیماید. وقتی مشکلات در محدوده‌ی کل بدن پیش بیاید صحبت می‌کنم، اما دیگر در مورد موضوعات خاص بسیاری که تحت شرایط معمولی پیش می‌آید صحبت نخواهم کرد.

پرسش: در هنگام فرستادن افکار درست، آیا وضعیت دست روی نتیجه تأثیر می‌گذارد؟

معلم: خوب در اصل، تا زمانی که معقول و آگاه باشید، انجام حالت‌های دست یا انجام ندادن‌شان روی هیچ چیز تأثیر نمی‌گذارد. ولی، از حالت‌های دست‌تان معلوم است که وارد سکون و آرامش شده‌اید یا نه، یا اینکه در گيجی به سر می‌برید. (معلم می‌خندد) پس زمانی که افکار درست می‌فرستید باید حواس‌تان جمع باشد. و آن وضعیت به چه صورت است؟ بسیار خوشایند است، انگار همه چیز ساکن و آرام است و تمام بدن را انرژی در برمی‌گیرد.

پرسش: طی این دوره‌ی خاص اصلاح- فاء، بعضی از مریدان در ایالات متحده شغل‌شان را به خاطر [وضعیت] اقتصادی از دست داده‌اند...

معلم: کار نیروهای کهن است. همیشه باید این یادتان باشد: من هیچ مداخله‌ای که امروز بین مریدان دافا اتفاق می‌افتد را تصدیق نمی‌کنم؛ همه‌ی مسائلی که نباید اتفاق بیفتند نظم و ترتیب نیروهای کهن است. آنها تزکیه‌ی شخصی شما را بالاترین اولویت می‌بینند. البته، تزکیه شخصی بالاترین اولویت را دارد، زیرا اگر نتوانید به کمال برسید حرفی برای گفتن وجود ندارد. اما مریدان دافای امروز کار متفاوتی نسبت به راه‌های تزکیه‌ی هر دوره‌ی دیگری در تاریخ انجام می‌دهند، و علتش این است که شما مسئولیت بزرگ‌تری بر دوش‌تان است که از کمال شخصی‌تان فراتر می‌رود. نجات موجودات ذی‌شعور و اعتباربخشی به فاء، این‌ها بسیار فراتر از تزکیه‌ی شخصی‌تان هستند، کارهای حتی بزرگ‌تری هستند. و این چیزی است که نیروهای کهن نمی‌توانند درست اداره کنند، و درحال مداخله با شما هستند. آنها را رد کنید [و نپذیرید]، و با تمام این [مسائل] با افکار صحیح روبرو شوید!

پرسش: برای مدت زمانی به هنگام اعتباربخشی به فاء، می‌توانستم وقتی با محنت‌ها و آزمایش‌های بسیار زیادی روبرو می‌شدم ثابت‌قدم بمانم و مسیرم را ادامه بدهم. بعد از خارج شدن از چین، به‌خصوص در چند ماه گذشته، کارمای فکری خیلی شدید بوده است. در آن حتی عناصری از بی‌احترامی نسبت به استاد، واداشتن من به رها کردن تزکیه، و غیره هست.

معلم: فکر می‌کنم تا زمانی که فاء را بیشتر مطالعه کنید، افکار درست شما قوی خواهند بود. برای بعضی از تمرین‌کنندگان، بعضی از اوقات شما واقعاً درگیر انجام کارها برای آشکارسازی حقیقت شده‌اید و مطالعه‌ی فاء را از نظر انداخته‌اید. موضوعات مریدان دافا از تزکیه‌ی شخصی فراتر می‌رود، مثلاً اعتباربخشی فعلی‌مان به فاء، آشکارسازی حقیقت، و نجات موجودات ذی‌شعور، ولی همه‌ی این‌ها در واقع روی بنیانی از کمال شخصی سوار است، بنابراین اگر نتوانید به کمال شخصی برسید آن وقت هر چیز دیگری غیر قابل تحقق است. اعتباربخشی به فاء کاری نیست که مردم عادی انجام بدهند؛ فقط مریدان دافا ارزش انجام این کار را دارند. پس حالا فاء را مطالعه کنید و بیشتر مطالعه کنید، فاء را بیشتر مطالعه کنید. همچنین، هر کاری که انجام می‌دهیم، باید آن را به شکلی درست و صالح انجام دهیم، واقعاً آن را مثل یک تزکیه‌کننده انجام دهیم. نگذارید نیروهای کهن از هیچ شکافی استفاده کنند. وقتی از شکاف‌های شما سوءاستفاده کنند آن نوع کارها را [که شما عنوان کردید] انجام می‌دهند.

آیا این را می‌دانستید؟ وقتی نیروهای کهن سطح بالا این محنت را نظم و ترتیب دادند، دلیل نهایی این بود که در حالی که مریدان دافا را طی این دوره به اصطلاح "آبدیده" می‌کنند آن موجودات نه‌چندان خوب کیهان را یک‌دفعه پاک‌سازی کرد، و در عین حال عالم را پاک کرد. این چیزی است که نیروهای کهن نظم و ترتیب دادند که انجام شود. آنها به جای اینکه هدف من برای اصلاح-فا را نیاز شماره‌ی یک در نظر بگیرند خواسته‌های خودشان را بالاترین اولویت قرار داده‌اند. پس وقتی که با آن مشکلات روبرو می‌شوید، سهم خودتان [در آن موضوع] را بیشتر بررسی کنید، کارها را به شکلی درست‌تر انجام دهید، و اجازه ندهید نیروهای کهن از هیچ شکافی استفاده کنند. آن موجودات پلیدی که نیروهای کهن آن‌ها را کنترل می‌کنند پیش از این سرنوشت قریب‌الوقوع خود را دیده‌اند، بنابراین مثل این می‌ماند که در آشفتگی هستند، و مثل موش‌هایی که گیر افتاده باشند ناامیدانه و از روی استیصال رفتار می‌کنند-- دست به هر کاری می‌زنند، هر قدر هم که بد باشد. به این مسائل توجه کنید و نگذارید از هیچ شکافی استفاده کنند.

پرسش: مریدان از شهر وی‌فانگ استان شان‌دونگ به استاد درود می‌رسانند!

معلم: متشکرم. (تشویق)

پرسش: یک تمرین‌کننده‌ی فالون‌گونگ که با اعمال زور او را شستشوی مغزی دادند هنوز می‌خواهد تزکیه کند، ولی می‌گوید که استاد حالا دیگر از او مراقبت نمی‌کند. استاد، آیا باز هم از او مراقبت می‌کنید؟

معلم: او آن‌طور فکر می‌کند چون احساس می‌کند استاد را ناامید کرده است و دافا را ناامید کرده است و آن افکار، وابستگی‌های جدیدی شکل داده‌اند. و با وجود کارهایی که انجام داده، هنوز در حال فکر کردن درباره‌ی امور با یک ذهن انسانی است و هنوز روشن و متوجه نیست-- برای همین آن حرف را زد. این امر تمام نشده، پس آیا چیزهایی که قبل از تمام شدن این ماجرا خوب انجام می‌دهید و خوب انجام نمی‌دهید بخشی از فرآیند تزکیه نیستند؟ بله! می‌دانید، در گذشته تزکیه کردن دائو سخت بود. وقتی فردی با یک آزمایش روبرو می‌شد، همین که یک فکر پایین‌تر از حد متوسط داشت فرصت تزکیه کردن دائو را برای همیشه از دست می‌داد، و این قطعی بود. نیروهای کهن فکر می‌کنند من هم همین‌طور به موضوع نگاه می‌کنم. "خیلی خوب، حالا که او را مجبور کرده‌ایم برگه‌ای را بنویسد، تو، لی هنگجی، حالا نمی‌توانی او را نگه داری چون که به تو خیانت کرد. تو برای نجات او آن قدر زحمت کشیدی، با این وجود به تو خیانت کرد. مسلماً نمی‌توانی او را نگه داری. و اگر نتوانی او را نگه داری باید چه کار کرد؟ او را از بین ببر."

نیروهای کهن به این صورت فکر می‌کنند، و امور را به این صورت ترتیب داده‌اند. اما من کارها را این‌طور انجام نداده‌ام-- او را نجات خواهم داد. امروز خوب عمل نکرد، ولی آیا شما نیروهای کهن هنوز مردم را شکنجه نمی‌کنید؟ کاری می‌کنم فردا کارها را از نو انجام دهد، و قطعاً کاری می‌کنم که آنها را خوب انجام دهد! (تشویق) آیا چیزی که اتفاق افتاده ثابت نکرده است که مریدان دافا منطقی‌تر و منطقی‌تر شده‌اند، متوجه‌تر و متوجه‌تر شده‌اند، و کارشان بهتر و بهتر شده است؟ آیا بیشتر و بیشتر مصمم نیستند؟! (تشویق) وقتی در نهایت واقعاً مصمم شوید، آن وقت همه‌ی چیزهایی که در گذشته انجام دادید فقط می‌تواند به پایان رساندن فرایند تزکیه باشد. واقعاً این‌طور است. استاد این موضوع را با بزرگ‌ترین نیک‌خواهی اداره می‌کند. (تشویق)

ولی بعضی افراد هستند که واقعاً مرا مأیوس کرده‌اند، و واقعیت این است که همه‌اش به خاطر این تفکر بوده است. شما این را در اخبار Clearwisdom که از چین برای مان ارسال می‌شود دیده‌اید: بعضی افراد کارها را بی‌پرده و به‌درستی انجام دادند، بدون ترس، و بنابراین شکنجه نشدند؛ و وقتی آنها را به اردوگاه‌های کار اجباری فرستادند، شیطان در بعدهای دیگر نمی‌توانست آن را تحمل کند و مجبور بود آزادشان کند. عده‌ای از افراد انواع و اقسام ترس‌ها را دارند و افکار بشری‌شان زیاد است، بنابراین به شدت شکنجه می‌شوند. حتی وقتی که تا لب مرگ شکنجه شده‌اند، هنوز نمی‌توانند از وابستگی‌های بشری بگذرند، و خدایان

محافظ فا دلواپس این جریان هستند ولی نمی‌توانند کاری انجام دهند. آنهایی که درگذشتند درحالی که به وابستگی‌های ترس چسبیده بودند، آیا شما را به کمال می‌رسانم، یا نه؟ حقیقت امر این است که همگی آن‌ها نمایش وابستگی‌های بشری هستند. البته، این‌جا و الان راحت است در مورد آن صحبت کرد، ولی در آن وضعیت شیطانی راحت نیست. این مسیری است که یک انسان به سوی خدا شدن می‌رود— برای همین است که سخت است!

پرسش: من تمرین‌کننده‌ای از کره هستم، و غالباً طی فعالیت‌های اصلاح-فا و در همکاری با هم‌تمرین‌کنندگان با اختلافات و تضادهایی مواجه می‌شوم. مطمئناً برای این است که من وابستگی‌هایی دارم. باید چه کار کنم؟

معلم: فقط در کره اینطور نیست، چون تضادها در مناطق دیگر هم آشکار می‌شوند، و آن مسائل بین تمرین‌کنندگان سرزمین چین هم اتفاق می‌افتاد. اگر هر کسی فکر کند که مهارت‌هایی دارد، همگی فکر کنند لایق و توانا هستند، هر کدام فکر کند حق با اوست، و حاضر نباشند که کوتاه بیایند، آنگاه در واقع، در آن لحظه آن افرادی که کوتاه نمی‌آیند مشکل دارند. چیزی که فکر می‌کنند این است که، "این ایده‌ی من می‌تواند بهتر به دافا خدمت کند"، و هیچ‌وقت فکر نمی‌کنند، "درحال خودنمایی هستم". ولی نیروهای کهن به این کوتاه نیامدن او می‌چسبند و مدام آن را قوی‌تر می‌کنند— "درست می‌گویی، درست می‌گویی، کار تو دقیقاً درست است!" پس در آن موقع او روشن و متوجه نیست. حقیقتاً در مورد خودتان معقولانه فکر کنید و بعد در مورد ایده‌های افراد دیگر فکر کنید، و فکر می‌کنم آن موقع کارها خوب انجام می‌شوند. چرا این‌طور است که در آن زمان‌ها هیچ‌کسی به خودش نگاه نمی‌کند؟ نگران این نباشید که فرصت به اجرا گذاشتن ایده‌هایتان را از دست می‌دهید، چه رسد به این که تمایل نداشته باشید قبول کنید که ایده‌های دیگران بهتر است.

حالا یک خدا، او نگاه نمی‌کند که ایده‌ی شما به کار گرفته شد یا نه. در آن زمان‌ها او به این نگاه می‌کند که آیا وابستگی‌تان رها شد. اگر آن را رها کنید، و ایده‌تان به اجرا گذاشته نشد— در رابطه با آن موضوع شما قادر بودید آن را رها کنید، و حتی قادر بودید کمک کنید که بهتر انجام شود— پس رشد کردید، و توانستید سطح‌تان را بالا ببرید. تزکیه چیست؟ این تزکیه است. اگر به کوتاه نیامدن و تأکید بر ایده‌های خودتان اصرار داشته باشید، آنگاه درحالی که ممکن است به نظر برسد به خاطر فا است، ولی در واقع غیرمنطقی بودن است، و شما حقیقتاً عمیقاً راجع به آن فکر نکرده‌اید و یا امور را از تمام زوایا بیشتر در نظر نگرفته‌اید. اما مسلم است که عملی نیست [چیزی نگویید] اگر [حتی وقتی می‌بینید دیگران] واقعاً مسائل یا مشکلات را تمام و کمال در نظر نمی‌گیرند و باعث زیان دافا می‌شوند، و واقعاً عملی نخواهد بود وقتی متوجه وابستگی‌ها و افکار ناپاک می‌شوید [چیزی نگویید]. پس لازم است در فا به بلوغ بیش‌تری برسید.

هنگام آموزش فا در فیلادلفیا در این مورد صحبت کردم، پس هروقت با این موضوع مواجه می‌شوید، شاگردان می‌توانند دوباره آن را بخوانند. از آنجایی که این موضوع خیلی حساس است، هر وقت پیش می‌آید حواستان باشد. البته، وقتی بگومگو می‌کنید همیشه دلایل زیادی هست، محیط و شرایط هر بار فرق می‌کند، و موقعیت‌های خاص فرق دارند. در مورد اینکه به طور مشخص چطور با این موضوع برخورد کرد، هنوز به این برمی‌گردد که در تزکیه خوب کار کنید.

پرسش: آیا درست است که نیروهای کهن اروپا را به شکل خاصی شدید کنترل می‌کنند؟

معلم: طوری که من می‌بینم، فقط چین را شدید کنترل می‌کنند. (حضور می‌خندند) درست مثل آن زمان، حدود ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹، زمانی که آسمان‌ها درحال فرو ریختن بودند، و سطحی پس از سطح دیگر از شیطان لبریز شده بود— فقط این‌طور است که مردم نمی‌توانستند این را ببینند، و هر لایه‌ی بعدی مملو از تمام شیطان‌هایی بود که نیروهای کهن برای دافا تدارک دیده بودند. قبلاً به شما گفته‌ام که این امر را در دو مرحله انجام می‌دهم— اصلاح-فا و اصلاح دنیای بشری توسط فا— و اگر آنها را ترکیب می‌کردم و در یک مرحله انجام می‌دادم، آنگاه تمام دنیا علیه مریدان دافا دست به حمله می‌زد. البته، انجام یک‌دفعه‌ی

آن به معنی مریدان دافای بیشتر بود، و سه و نیم میلیارد مرید دافا وجود می‌داشت. آن را به دو مرحله جدا کردم: گروه اول متشکل از مریدان دافای دوره‌ی اصلاح- فا است، و گروه دوم متشکل از مریدان دافای زمان اصلاح دنیای بشری توسط فا است. در آغاز وقتی شیطان آمد، در یک آن، آسمان را تیره کرد و زمین را پوشاند، اما نمی‌توانست خودش را به خارج از چین اعمال کند. بنابراین آنها آن چیزهای پلید را علیه تمام مریدان دافایی که بودند سامان‌دهی کردند، و برای شما آن زمان واقعاً وحشتناک بود. پس برای کم کردن فشار و شکنجه‌ی مریدان دافا، من مریدان دافا و آن چیزها را از هم جدا کردم. گذاشتم آن چیزهای شیطانی طرف من بیایند، و آنها را به سرعت و در عین حال در مقیاس وسیع از بین بردم، بنابراین در آن زمان آسیب بسیار زیادی به سطح بدن مادی من وارد آمد. در ادامه تقریباً همه‌ی آن چیزها را پاک‌سازی کردم، این کار یک سال طول کشید، و اگر اینطور نبود مریدان دافای من واقعاً نمی‌توانستند آن را تحمل کنند. من جلوی همه‌ی آنها را گرفتم. در واقع، چیزی که مریدان دافا تحمل کردند با تعداد بسیار عظیم آن چیزها و میزان پلیدی‌شان قابل مقایسه نیست. (تسویق) آیا نوستراداموس چند سده قبل نگفت که در ژوئیه ۱۹۹۹ یک پادشاه بزرگ وحشت از آسمان می‌آید؟ اگر تمام این امر به صورت یک‌جا انجام می‌شد، این محنتی عظیم در مقیاس جهانی می‌شد، و همه می‌دانستند که وارد شده است. برای همین نیروهای کهن در واقع خوشحال بودند که این کار را در دو مرحله انجام دادم، زیرا این‌طوری مردم خارج از چین نمی‌توانستند متوجه آن شوند. بنابراین در مدت شکنجه و آزار، شیطان دروغ‌های بزرگ و شرم‌آور بسیاری پخش کرد، ولی مردم دنیا نسبت به آن بی‌تفاوت بودند.

پرسش: اینجا در ایالات متحده برای روند اشاعه‌ی فا و اصلاح- فا چه اهمیت خاصی وجود دارد؟

معلم: هرگز نگفتم که نوعی اهمیت بخصوص وجود داشته است. می‌توانم انتخاب کنم که هر جایی بروم، و این درست است که انتخاب کردم در ایالات متحده بمانم. در آغاز، نیروهای کهن نظم و ترتیب دادند که من به فرانسه بروم، و این حتی در پیشگویی‌ها آمده است. به هر صورت، به دلایل مختلف، به ایالات متحده آمدم. اما این‌طور نیست که برای ایالات متحده ارجحیت خاصی قایلیم. بگذارید به شما بگویم، هر فردی که هر جایی از دنیا است زمانی عضوی از خانواده‌ی من بوده است (تسویق)، شامل بدترین افراد، وگرنه فرصت این را نداشتند که طی این زمان انسان شوند. چیزی که در تاریخ گذشت چیزی است که آنها از میان آن گذشته‌اند و چیزی که برای خود انتخاب کردند. از همه بدتر نیروهای کهن هستند. آنها جرأت می‌کنند به دلخواه، مردم مرا قتل عام کنند چراکه متعلق به آنها نیستند. چیزی که در قلب استاد جای دارد تمام مردمی هستند که وجود دارند. (تسویق)

پرسش: استاد یک‌بار گفتند که هنوز بعضی افراد با روابط تقدیری قوی هستند که فا را کسب نکرده‌اند. ممکن است از استاد گرانقدر بی‌رسم حالا وضعیت چگونه است؟

معلم: سخت است که بر اساس وضعیت فعلی صحبتی کرد. چرا به شما می‌گویم آنها را نجات دهید؟ شما نمی‌دانید که چه تعداد از بستگان گذشته‌تان در این دنیا هستند. بهترین تلاش‌تان را بکنید که نجات‌شان دهید!

پرسش: چه تعداد بیشتری با رابطه‌ی تقدیری وجود دارند؟

معلم: می‌توانم به شما بگویم، بدون رابطه‌ی تقدیری، نمی‌توانید امروز در این دنیا یک انسان باشید-- حتی یک نفر هم نمی‌توانست بدون رابطه‌ی تقدیری در این دنیا باشد. (تسویق) فقط به این صورت است که آنها در جریان تاریخ برای خودشان نقش‌های متفاوتی نظم و ترتیب دادند. اینکه می‌توانید مریدان دافا باشید، چیزی است که شما در تاریخ برای خودتان ترتیب دادید. و آنهایی که به خاطر شکنجه کردن دافا دور ریخته شدند، این نیز چیزی است که خود در تاریخ برای خود نظم و ترتیب

دادند. زمانی که یک موجود منحرف شده است، به انجام کارهای بد ادامه می‌دهد، آن اندازه بد می‌شود، و رفته رفته به آن نقطه می‌رسد، در واقع یک انتخاب است.

پرسش: چه رابطه‌ای است بین: رد کردن نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن و از بین بردن وابستگی‌ها، رشد پیوسته از طریق تزکیه، و به نیروهای کهن شکافی برای استفاده ندادن؟

معلم: زمانی که قادرید در مسیری درست قدم بردارید، یعنی افکار درست‌تان قوی است، کارها را بر طبق الزامات دافا انجام می‌دهید، و کارها را بر طبق الزامات استاد انجام می‌دهید، آن موقع درحال نفی کردن نیروهای کهن هستید، و به درستی در مسیرتان قدم برمی‌دارید. آن اشباح پوسیده‌ای که تصمیم دارند فا را به هم بریزند، وقتی در اغتشاش و آشفتگی هستید جداً لذت می‌برند، چراکه کل هدف نیروهای کهن این است که تمام این امر طبق نظم و ترتیب‌های آنان خاتمه یابد. به شما می‌گوییم، وقتی هر کاری که امروز انجام می‌دهید با آنچه به شما آموخته‌ام انجام دهید هم‌راستا باشد، آنگاه این می‌شود اجازه ندادن به استفاده‌ی آنها از شکاف‌هایتان و اجازه ندادن به پیدا کردن بهانه‌هایی برای آزارتان. من شکنجه و آزاری که امروز در چین در جریان است را به رسمیت نمی‌شناسم، و ترس نیروهای کهن از این موضوع مدام بیشتر می‌شود. علتش این است که می‌دانند مطلقاً نمی‌توانم این را به رسمیت بشناسم. حالا با ترس و وحشت عظیمی با این موضوع روبرو هستند. موجودات سطح‌بالای نیروهای کهن پیش از این در اصلاح- فا نابود شده‌اند، با این وجود آنهایی که در روزهای آغازین به درون سه قلمرو جدا شدند فعلاً هنوز نمی‌توانند وضعیت حقیقی را ببینند-- که بالاترین سطوح‌شان نابود شده است-- و این چگونگی امور است.

پرسش: از همان زمان که دوره‌ی اصلاح- فا آغاز شد، وضعیت من نوسان داشته است، و در تمام این مدت نتوانسته‌ام راحت‌طلبی‌ام را رها کنم، برای همین حال بسیار بدی دارم.

معلم: استاد می‌تواند به شما کمک کند، اما فقط تاوقتی که آگاه باشید که باید در جهت رشد تلاش کنید. (تشویق)

پرسش: زمانی که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند، اکثریت مریدان دافا به مکان‌های درست‌شان برمی‌گردند و به کمال می‌رسند. پس طی ده سالی که در ادامه می‌آید چه کسی در اصلاح- فا به استاد کمک می‌کند؟

معلم: در مورد این، (معلم می‌خندد) شما هنوز با یک ذهنیت بشری درحال فکر کردن هستید. درحالی که شما فا را پخش می‌کرده‌اید، افراد بسیاری فا را کسب کرده‌اند، ولی آنها نمی‌توانند عمیقاً فا را بفهمند چون یک‌بار که فا را فهمیده باشند مریدان دافای دوره‌ی اصلاح- فا شده‌اند. آنجا خطی کشیده شده است، بنابراین آن نیروهای کهن جرأت نمی‌کنند بگذارند که آنها فا را کسب کنند. من این موضوع را بیشتر از آن ادامه ندادم، چراکه لازم بود روی موضوع اصلاح- فا به صورت کل، و حل و فصل مسائل در اصلاح- فا متمرکز شوم، بعلاوه، آنها هنوز هم در آینده فرصت خواهند داشت. اما این کارهایی که انجام می‌دهید بیهوده نخواهند بود، تمام آنها معرکه و باشکوه هستند، و دلیلش این است که شما بنیانی برای تزکیه‌کنندگان آینده بنا کرده‌اید، شما تزکیه‌کنندگان آینده را انتخاب کرده‌اید. بنابراین این کار بسیار خوب انجام شده است.

وقتی حقیقت را آشکار می‌کنید، آیا متوجه این مسئله شده‌اید؟ وقتی در مورد اینکه مردم شکنجه و آزار می‌شوند صحبت می‌کنید می‌توانند همه‌ی صحبت‌ها را بپذیرند. در مورد پایمال شدن آزادی عقیده، نقض حقوق بشر، و غیره صحبت کنید، و آنها می‌توانند تمام آن را بپذیرند، ولی تا در مورد اصول فا صحبت می‌کنید به در بسته می‌خورید. احتمالاً همه از این موضوع با اطلاع هستید. علت این که چنین اتفاقی می‌افتد این است که وقتی کسی بتواند در فهم مسائل بر پایه‌ی اصول فا شما را دنبال کند، هم‌اکنون فا را کسب کرده و نزدیک است که تزکیه کند، پس وقتی به این می‌رسد که او فا را کسب کند نیروهای کهن قطعاً جلوی آن را می‌گیرند. این یک آزمایش برای اوست. اگر واقعاً بخواهد آن را کسب کند، و هر جوری هم باشد باز بخواهد آن را

کسب کند، پس می‌تواند آن را کسب کند. پس به بیان دیگر، در حال حاضر واقعاً مانعی بسیار بزرگ برای کسانی که می‌خواهند بیایند و یکی از مریدان دافا باشند وجود دارد. هرچند، افراد ویژه‌ای وجود دارند که می‌توانند وارد شوند. اگر بتوانند از همه چیز دست بکشند آن وقت می‌توانند وارد شوند، ولی در غیر این صورت در حال حاضر نمی‌توانند وارد شوند. اما اینکه او طی دوره‌ای که دافا شکنجه می‌شود تمرینات را یاد می‌گیرد، با اینکه به رده‌ی مریدان دافای اصلاح-فا نپیوسته است، اما بنیان تزکیه‌ی آینده خود را گذاشته است. این مسئله به این شکل است. (تشویق)

پرسش: زمانی که خدایان و بوداها همه غرق در شکوه به نمایش درمی‌آیند، و مردم بعد از دیدن حقیقت همه در حال تزکیه هستند، آیا این هنوز تزکیه به حساب خواهد آمد؟

معلم: آشکارسازی حقیقت شما برگزیدن تزکیه‌کنندگان آینده است، بنابراین اینکه آیا کسی قادر است الان آن را یاد بگیرد بی‌نهایت مهم است. در خصوص سایر افراد، این طور نیست که اگر نتوانند تزکیه کنند از بین می‌روند، زیرا بشریت یک سطح مهم کیهان خواهد شد و بخشی از چیزی که دافا در بر خواهد گرفت می‌شود. بنابراین در آینده هنوز افرادی روی این زمین وجود خواهند داشت. البته، فقط آنهایی که بد و کاملاً غیر قابل قبول هستند دور ریخته خواهند شد.

پرسش: مریدان شی‌جیاجوانگ و پکن به استاد درود می‌رسانند!

معلم: متشکرم!

پرسش: معنی "بر خدایانی که نادانند، با لیخندی نگرستن" چیست؟

معلم: می‌دانید آن نیروهای کهن چه کار کردند؟ در آغاز مرا به تمسخر می‌گرفتند، خصوصاً آنهایی که در سطوح پایین بودند. حالا جرأت نمی‌کنند بخندند، چون همه‌ی حقیقت را دیده‌اند، و همه‌چیز برای‌شان روشن است. پس من به نادانی آنها لبخند می‌زنم. (حضار می‌خندند)

پرسش: ما این واقعیت را چگونه باید درک کنیم که جوآن فالون قرار است برای آینده باقی بماند، و سخنرانی‌های دیگر همگی در حال توضیح جوآن فالون هستند، و اینکه ما باید به طور جدی بر طبق جوآن فالون تزکیه کنیم؟

معلم: باید مسلماً به‌طور جدی بر طبق جوآن فالون تزکیه کنید، و کتاب‌های دیگر را می‌توان به‌عنوان مراجعه خواند، آنها همگی فا هستند. مردم آینده به اندازه‌ی مریدان دافای دوره‌ی اصلاح-فای امروز تقوای عظیم نخواهند داشت، زیرا آنها از میان محنتی شبیه محنتی که مریدان دافای دوره‌ی اصلاح-فای امروز با آن روبرو هستند نمی‌گذرند، و دلایل تاریخی نیز البته وجود دارد. بنابراین تجلی فا به والایی امروز نخواهد بود. تعداد بی‌انتهایی از بوداها، دائوها، و خدایان پشت هر کلمه‌ی جوآن فالون وجود دارند. شاید در آینده به این صورت تجلی نیابد. منظور این نیست که فا دیگر خوب نخواهد بود، فقط اینکه به این اندازه نشان داده نخواهد شد. مریدان دافا، من برای شما سقفی معین نمی‌کنم، چراکه شما اکنون در میان بنیان نهادن تقوای عظیم هستید. (معلم می‌خندد) (تشویق)

پرسش: تصدیق نکردن نیروهای کهن بسیار مهم است، بنابراین ممکن است از استاد گرانقدر درخواست کنیم در مورد اینکه چگونه در این خصوص خوب عمل کنیم صحبت کنند؟ تشکر می‌کنم.

معلم: خوب، چیزی که الان در مورد آن صحبت کردم همه درباره‌ی این مسائل بود. نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را به رسمیت نشناسید، و تمام این شکنجه و آزاری را که نظم و ترتیب داده‌اند نفی کنید. آنها می‌خواهند کاری کنند که مریدان دافا از طریق این شکنجه و آزار به بلوغ برسند-- این جنبه‌ای از آن است که پیش چشم مردم نمایان شده است. جنبه‌ای از آن که

خودش را نشان نداده این است که اگر هر چیزی که می‌خواهند انجام دهند به موفقیت می‌انجامید، آن وقت چیزی می‌شد که آینده نمی‌توانست تصدیق کند. چیزی که اینجا در این سمت بشری متجلی می‌شود بسیار ساده است. سمتی از شما که تزکیه را کامل کرده است می‌داند جریان چیست، و من هیچ کدام از نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن یا این شکنجه و آزار فعلی را تصدیق نمی‌کنم.

بگذارید یک موجود بی‌نهایت میکروسکوپی و بسیار عظیم در کیهان را در نظر بگیریم، موجودی که هیچ خدایی نمی‌تواند راجع به آن بداند، آن دید که بدن‌های آسمانی کیهانی طی دوره‌ی خاصی به سمت انهدام می‌روند، و به خاطر یک فکر غریزی یک موجود که نمی‌خواهد به سمت نابودی برود، لایه لایه‌ی افلاک و نیز لایه لایه‌ی بدن‌های کیهانی درون آن، لایه لایه‌ی افلاک را به حرکت درآورد، تمام راه به پایین تا لایه لایه‌ی جهان‌های درون انبوه بدن‌های کیهانی و لایه لایه‌ی موجودات درون انبوه جهان‌ها، و باعث شد خدایان بسیار عظیم در افلاک گوناگون راه‌هایی را برای نجات دادن خودشان نظم و ترتیب دهند. از بالا تا به پایین در سطحی پس از سطح دیگر خدایان بیشتری وجود داشتند که شرکت کردند، آنها نظم و ترتیب‌های حتی مفصل‌تری به عمل آوردند، تمام راه به پایین تا سه قلمرو. چون آن یک فکر از سطحی بی‌نهایت بالا آمد، موجودات ذی‌شعور کیهان همه فکر کردند این اراده‌ی آسمان بود، و اینکه هیچ تردیدی نبود که به موفقیت کامل می‌رسند، این افلاک و بدن کیهانی بسیار بزرگ را از نابودی نجات می‌دهند. به خاطر دقت نظم و ترتیب‌هایی که خدایان در بسیاری از سطوح بدن‌های کیهانی به عمل آوردند، نظم و ترتیب‌ها آن‌چنان کامل و بی‌عیب به نظر می‌رسید که انبوه خدایان را به هیجان آورد، اعتماد به نفس آنها را بسیار بالا برد و آنها را معتقد کرد که نهایتاً فرصتی برای نجات داشتند. در آن زمان، از بین سطح سطح موجودات، بیست درصد خدایان در این امر شرکت کردند، و نیروهای کهن به این صورت پدیدار شدند.

موجودات ذی‌شعور نمی‌خواهند نابود شوند، و این فقط طبیعی است. ولی لایه لایه‌ی موجودات همگی درون افلاک عظیم قرار گرفته‌اند، و در جریان طولانی تاریخ همه چیز بر طبق قانون فای فرآیند شکل‌گیری - ثبات - فساد - نابودی به سمت پایان پیش می‌رفته است، و هیچ موجود یا عنصری نمی‌توانست از این فرار کند. در رابطه با موجودات ذی‌شعور، وقتی که همه چیز متلاشی می‌شود و شرایطی برای وجود حیات نیست، آنگاه حتی یک چیز هم نمی‌تواند وجود داشته باشد. این بسیار وحشتناک‌تر از دوباره شکل‌دهی بدن‌های کیهانی است. قانون فای شکل‌گیری - ثبات - فساد - نابودی همه‌ی عناصر، ماده، و حیات را در کیهان کهن به‌وجود آورد، و در عین حال این قانون فای را، که همه چیز متلاشی می‌شود بنیان نهاد. این زوال تمام عناصر سازنده‌ی کیهان از درون است، که خود را در بین موجودات به صورت فساد استاندارد افکار و رفتار متجلی می‌کند، و یک‌بار که تا نقطه‌ی خاصی نزول کنند غیرقابل نجات هستند، و از آنجا به سمت مرحله‌ی پایانی نابودی می‌روند. نیروهای کهن در نظم و ترتیب دادن آنچه که فکر می‌کردند کامل‌ترین آینده باشد قدرت و خرد خدایان را تا آخرین درجه‌اش به کار گرفتند، و آن قدر به هیجان آمدند که کاملاً یک نکته‌ی کلیدی یادشان رفت: اینکه، وقتی کیهان به مرحله‌ی فساد پیش می‌رود، همه‌ی موجودات ذی‌شعور و عناصر در کیهان، بدون استثنا، در فرآیند فساد هستند - موجودات، روش‌های تفکر، عناصر، و استانداردها همه ناپاک هستند - و رفته رفته در طول جریان بسیار عظیم تاریخ لحظه‌ای که دیگر، استانداردها و هر چیزی از موجودات خوب نبود فرا رسید. قوانین و استانداردهای فای، در جریان طولانی تاریخ، همگی شکوه اولیه و خلوص صالحانه‌ی خود را از دست داده‌اند، و بنابراین موجودات ذی‌شعور در تشخیص این نوع از تغییر حتی عاجزترند. علتش این است که آن خدایانی که در سطوح بسیار بالا هستند هرگز به رفتار موجودات پایین‌تر از خود اهمیت نمی‌دادند، و طی اصلاح - فای نیز به اخطارهای من‌اعتنایی نکردند. به بیان دیگر، وقتی کیهان به آن نقطه رسیده است، آن ایده‌هایی که موجودات در کیهان برای نجات خود به آنها رسیدند هر قدر هم خوب باشد، هنوز رفتار موجودات در مرحله‌ی فساد و نابودی است، و با استاندارد مراحل اولیه و میانی کیهان، طی زمان "شکل‌گیری - ثبات" فاصله دارد؛ و با استاندارد کیهان جدید، که بی‌اندازه از استانداردهای کیهان کهن بالاتر است، حتی بیشتر

فاصله دارد. بنابراین هیچ یک از کارهایی که خدایان بی‌شمار انجام داده‌اند توسط هر آنچه که در خارج کیهان است تصدیق نمی‌شود. در طی اصلاح- فا از همه‌ی افلاک گذشتم و دیدم که آن نظم و ترتیب‌های نهایی آنها همگی کوتاهی‌هایی دارد و نمی‌توان آنها را کامل یا هماهنگ کرد. طی اصلاح- فا همچنین از هر بخش پایانی آنچه که مربوط به نیروهای کهن می‌شود گذشتم، با این وجود متوجه شدم که موجود عظیمی که آن یک فکر را داشت که باعث اختلالات بسیار عظیم اصلاح- فای حقیقی شد موجود آخر نیست، و عناصر بسیار بسیار زیادی وجود دارند که بالاتر از آن هستند. در آنجا، همه‌ی نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن ناگهان دیگر وجود نداشت-- همه‌ی نظم و ترتیب‌های آنان بدون پایه بود، آنها نتوانستند هیچ چیزی را حل و فصل کنند، و بدون فرجام و نتیجه‌ای ناپدید شدند. با این وجود، همه‌ی آن نظم و ترتیب‌های به عمل آمده به‌دست نیروهای کهن اختلالات و موانع اهریمنی واقعی را برای اصلاح- فا شکل داد، و محنت‌هایی عظیم در اصلاح- فا شده‌اند. در اصلاح- فا همه‌ی لردها، پادشاهان، و موجودات ذی‌شعور را گمراه کرد، و فشار طی اصلاح- فا نیز از دست‌کاری و مداخله‌ی مستقیم همه‌ی آن موجودات ذی‌شعور و نیروهای کهن ناشی شده است. زمانی که همه‌ی این مسائل گذشتند، زمانی که موجودات ذی‌شعور همه‌ی این مسائل را دیدند، ناگهان مثل این بود که نمی‌توانستند فکر کنند. آنها دیدند که چیزی که من در ابتدا گفته بودم و هشدارهایم طی اصلاح- فا همگی حقیقت داشتند، مبهوت شده بودند و صدایی از آنها بلند نمی‌شد-- بلافاصله فهمیدند که موجودات ذی‌شعور همگی علیه اصلاح- فا مرتکب جرم شده بودند. آنها همیشه فکر می‌کردند که من تزکیه می‌کنم، یا اینکه حتی مرا به عنوان یک تزکیه‌کننده [در این جریان] وارد می‌کردند. فکر می‌کنم در این لحظه هرگز دوباره جرأت نمی‌کنند چنین فکری کنند.

این محنتی که نیروهای کهن در دنیای انسانی ترتیب دادند، در ظاهر مسئول بودن نسبت به تزکیه‌کنندگان، اصلاح- فا، و نسبت به من است، اما واقعیت این است که هدف آنچه نظم و ترتیب دادند مسئول بودن نسبت به آنچه که خواهان انجام آن بودند است، و تمام این چیزهایی که نظم و ترتیب داده‌اند اصلاً چیزی نیستند که کیهان جدید آینده بخواهد، و در عین حال به اصلاح- فای حقیقی آسیبی عظیم زده است. مقدار بسیار زیادی از چیزهایی را که می‌خواستیم، به‌زور نابود کردند. تاریخ گذشته است، و بازیابی چیزی که از دست رفته سخت است. چطور امکان دارد بتوانند مسئولیت تمام آن مسائل را متقبل شوند؟!

حالا به عنوان تمرین‌کننده، اگر در این محنت بتوانید از عهده‌ی این برآید که نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را به رسمیت شناسید، آنگاه می‌توانید با موفقیت از آن بیرون بیایید. و کسانی که خوب عمل نکرده‌اند، حداقل اینکه، آیا شما در حال تصدیق نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن نیستید؟ یک‌بار که آنها را تصدیق کنید آیا مثل این نیست که یکی از آنها هستید؟ چون شما در بین شکنجه و آزار خوب عمل نکرده‌اید باعث بی‌ثباتی در بین تمرین‌کنندگان شده و شکنجه و آزار را بدتر کرده است، پس آیا شما هم به آتش سوخت اضافه نمی‌کنید و در حال کمک به شیطان نیستید؟ آنها را نفی کنید، به طور کامل هر چیزی از نیروهای کهن را رد کنید!

پرسش: چرا نیروهای کهن جرأت می‌کنند مریدان دافا را در شکنجه و آزار به قتل برسانند؟

معلم: در اینجا دو وضعیت وجود دارد. یکی این است که در گذشته نیروهای کهن احساس کردند که یک نوع ذهنیتی در بین مریدان دافا ایجاد شد، اینکه، یک‌بار که در دافا تزکیه می‌کنید فکر می‌کنید مثل داشتن بیمه است، و چیزی برای ترس وجود ندارد، بیماری و مرگی نیست، این چیز و آن چیز اتفاق نمی‌افتد، و همه صرفاً به خوشبختی می‌رسند. ولی، یک‌بار که این ذهنیت ایجاد می‌شود دردسر به دنبال می‌آید. نیروهای کهن کارهایی را که می‌خواهند انجام دهند انجام خواهند داد، و یک‌بار که ندانسته نظم و ترتیب‌های آنان را تصدیق کنید بهانه‌هایی برای کنترل شما و ایجاد انواع گوناگون خطرها برای شما دارند. البته، مریدان دافا مثل افراد عادی نمی‌میرند، و حتی آنهایی که پیش از موعد درگذشتند چیزی که انتظارشان را می‌کشد بهترین است - حتماً این طور است. (تشویق) بنابراین طی این دوره، کاری که می‌کنند این است که ابتدا جان تعداد کمی را بگیرند. البته، در

بین آنهایی که از دنیا رفته‌اند، همچنین چیزی که آنها در زندگی‌های قبلی نظم و ترتیب دادند وجود دارد. هدفشان چیست؟ اینکه کاری کنند ببینید مطالعه‌ی دافا مثل داشتن یک‌جور بیمه نیست و هنوز لازم است که خوب عمل کنید، و خوب عمل نکردن یک مشکل است. بنابراین چنین کاری را انجام می‌دهند، و علتش این است که آنها تزکیه‌ی شخصی را از اعتباربخشی به فا مهم‌تر می‌بینند. همچنین، آنها در این زمان در طی اصلاح- فا که به مریدان دافا در نجات موجودات ذی‌شعور نیاز مبرم است در حال انجام این کارها هستند-- آیا در دسر جدی درست نمی‌کنند؟ یک مرید دافا چه تعداد از موجودات را در حالی که در این دنیاست می‌تواند نجات دهد، درست است؟ آیا این کار بدی نیست؟

نیروهای کهن هر چند وقت یک بار با تمرین‌کنندگان مداخله خواهند کرد، ولی فکر کنید که نجات موجودات ذی‌شعور چقدر مهم است! چرا باید این همه مداخله درست کنند. آن را به رسمیت نشناسید! از آنجایی که هیچ کدام از آنها ارزش شرکت کردن را ندارند، چیزی که می‌خواستم این بود که هیچ یک از موجودات ذی‌شعور مداخله نکنند، همه‌ی آنها آنجا منتظر بمانند، و من جلو می‌رفتم و امور را اصلاح می‌کردم، و بدترین موجودات، هر قدر هم ممکن بود بد باشند، و هر نوع اشتباهی هم که در تاری مرتکب شده بودند، تمام آنها در حالی که صرفاً کنار مانده بودند می‌توانستند به کمال برسند. آیا این عالی نمی‌بود؟! (تشیویق) البته، این کار بدون قاعده انجام نمی‌شد، به طوری که من هر چیزی را که یک مرید دافا بدهکار بود به پرداخت‌های نیک‌خواهانه به موجودات ذی‌شعور تبدیل می‌کردم، و به همه بهترین غرامت داده می‌شد. اگر او این کار از دستش بر نمی‌آمد، آن وقت استاد به او کمک می‌کرد انجامش دهد. وقتی کیهان در حد استاندارد نیست علتش این است که همه‌ی موجودات ذی‌شعور در حد استاندارد نیستند، و من به تمام موجودات ذی‌شعور کمک می‌کردم این کار را انجام دهند، به شما کمک می‌کردم انجامش دهید و به او هم کمک می‌کردم که انجامش دهد. آن وقت آیا همه چیز نیک‌خواهانه حل و فصل نشده بود؟ (تشیویق) حالا که تمام موجودات دیگر خوب نبوده و دیگر پاک نیستند، به همه‌ی شما در انجام این کار کمک می‌کردم. پس آیا منصفانه نبود؟ متوجه منطق پشت آن هستید، درست است؟ ولی آنها بر انجام کارها به روش خودشان اصرار کردند. البته، حتی در چنان وضعیتی هم هنوز به‌ناچار واکنش‌هایی از سوی موجوداتی که در اصلاح- فا تحت تأثیر قرار می‌گرفتند وجود می‌داشت، و مزاحمت و مداخله از آن سربرمی‌آورد. این طبیعی است، و رنج و دردسرهایی برای من در اصلاح- فا به وجود می‌آمد، و این نیز طبیعی است. این را می‌توانستم بپذیرم و تصدیق کنم. ولی انجام روش‌مند این کارها به شدت با اصلاح- فا مداخله کرده است، و این چیزی است که نمی‌توانم به رسمیت بشناسم. چگونگی ارتباط امور از این قرار است.

از زاویه‌ای دیگر که صحبت کنیم، مریدان من، وقتی نیروهای کهن می‌توانند چیزهایی را که خواهان انجام‌شان هستند انجام دهند، آیا علتش این نیست که شما بی‌صدا به چیزهایی که می‌خواهند انجام دهند رضایت داده‌اید؟ وقتی به شما می‌گویند بروید می‌روید، وقتی می‌گویند چیزی بنویسید می‌نویسید، وقتی می‌گویند کاری انجام دهید همین‌طور انجامش می‌دهید، و وقتی که بازداشت و زندانی‌تان می‌کنند، درمانده و بی‌صدا به آن تن می‌دهید. البته، برای این این‌طور می‌شود که درون‌تان وابستگی‌هایی دارید و نمی‌توانید ره‌ایشان کنید، ولی هر چه بیشتر نتوانید رها کنید، شدیدتر شکنجه می‌شوید، چراکه موجودات پلیدی که در حال کنترل و تباه کردن مریدان دافا هستند می‌توانند وابستگی‌های شما و آنچه را که به آن وابسته‌اید ببینند. در مقابل، آن مریدانی که مرگ و زندگی را رها کرده‌اند از هیچ چیز ترسی ندارند، و موجودات شیطانی از آنها می‌ترسند. اما دلیلی که می‌توانند رها کنند این است که خوب تزکیه کرده‌اند.

پرسش: من واقعاً می‌خواهم خانواده و دوستانم در دافا تزکیه کنند، ولی اصلاح- فا در مراحل پایانی است، بنابراین آیا برای آنها نظم و ترتیب می‌دهید که با ما به آسمان‌ها برگردند؟ یا به این صورت است که وقتی فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند در دافا تزکیه خواهند کرد؟

معلم: واقعاً نمی‌توانم در این مورد چیزی به شما بگویم. اول اینکه، این چیزی است که نمی‌شود آن را گفت، و دوم اینکه، شما وابستگی‌هایی دارید. بعضی‌ها می‌گویند، "وقتی به کمال نائل شده‌ام، اگر این یا آن کار را داشته باشم که به آن رسیدگی کنم چه؟" می‌دانید وقتی آن کلمات بیان می‌شوند خدایان چطور به آن شاگرد نگاه می‌کنند؟ (حضار می‌خندند) و هنوز می‌خواهید به کمال برسید؟ اما آیا این را می‌دانید؟ کسانی که فکر به کمال رسیدن را در ذهن دارند نمی‌توانند به کمال برسند، چه برسد به کسانی که می‌خواهند به کمال برسند ولی نمی‌توانند وابستگی به مسائلی مثل احساسات و ثروت را رها کنند. در طلب چیزی نباشید و به‌طور طبیعی به دست بیاورید! تمام کارهایی که مریدان دافا امروز انجام می‌دهند در واقع مسئولیت‌هایی است که تاریخ به شما واگذار کرده است. صرفاً آنچه را که باید انجام دهید به‌طور باز و باوقار انجام دهید، و همه چیز پوشش داده می‌شود. (تسویق) تا زمانی که به این فکر می‌کنید که می‌خواهید به کمال نائل شوید نمی‌توانید به کمال برسید... و تازه می‌گویید، "چطور می‌توانم بروم وقتی این کار هست که به آن نرسیده‌ام، آن کار هست که هنوز باید به آن رسیدگی شود..." که یعنی هنوز نمی‌خواهید بروید. فقط نگاه کنید چند وابستگی و فکر بشری به آن کلمات چسبیده است.

پرسش: شعر شکلی از فرهنگ بشری است. چرا استاد انتخاب کرده‌اند که از این شکل بخصوص، یعنی شعر، برای آموزش ما استفاده کنند و آن را به عنوان بخشی از فا به کار ببرند؟

معلم: این چیزها از فرهنگ چین، به همراه چیزهای فرهنگ‌های دیگر جهان، برای مردم حفظ شده بودند تا فا را به دست بیاورند. در خصوص استفاده‌ی من از بخش خاصی از فرهنگ، این انتخاب شخصی من است— تفکر ویژه‌ای وجود نداشت، صرفاً بنا به میل خود آن را به کار بردم. بعضی اوقات از چینی کلاسیک برای نوشتن مطالبی استفاده می‌کنم، و بعضی اوقات شعر، نظم، یا دوبیتی‌های ادبی را به کار می‌برم، و مواقعی هم هست که از نثرهای محلی استفاده می‌کنم، که در حال حاضر صورت رایج نوشتن است. در حقیقت ترجیح می‌دهم با شکل‌های کلاسیک بنویسم، چراکه می‌توانند مسائل را واقعاً شفاف و کامل ابراز کنند. ولی البته، چیزی که محصلین این روزها مطالعه می‌کنند [نوع] محلی است، و اگر به آن شکل می‌نوشتیم نمی‌توانستند مسائل را بفهمند، پس صرفاً استفاده‌ی کمتری از آن می‌کنم و یا اصلاً آن را به کار نمی‌برم. نیروهای کهن نژاد بشری امروزه را به این نقطه کشانده‌اند. در حقیقت مشکلات عظیمی برای اصلاح- فای کیهان و آینده ایجاد کرده‌اند. فایی که به شما آموزش می‌دهم مسائلی از علم را در خود می‌گنجاند، و این فرهنگ موجودات انسانی نیست، پس اگر برای آینده به جای بماند چه می‌شود؟ می‌دانید، چرا من همیشه می‌خواهم از آن گفته‌های چینی کلاسیک کهن برای آموزش استفاده کنم؟ چون آنها این چیزها را در خود ندارند. اما امور حالا صرفاً به این صورت هستند، و مردم فقط می‌توانند این اصول را در چارچوب این نوع از فرهنگ بفهمند، پس فقط می‌توانم به این طریق آموزش دهم. در خصوص مسائل آینده، برای رسیدگی به آنها صرفاً باید منتظر آینده شویم.

پرسش: شما گفته‌اید که هرچیز اجتماع بشری امروز را افکار مریدان دافا پدید آورده است. من غالباً متوجه می‌شوم وابستگی‌های خودم باعث شده‌اند که مسائل حتی بدتر شوند. ممکن است از استاد بپرسم که چگونه خودم را از این وضع آزاد کنم؟

معلم: اگر خوب عمل نکرده‌اید مسئله‌ی مهمی نیست. فقط دفعه‌ی بعد کارها را خوب انجام دهید و سعی کنید پی ببرید مشکل در کجا بوده است. یک پدیده‌ی بارز در تزکیه‌ی شماها وجود دارد، اینکه بعد از اینکه مسئله‌ای را خوب انجام نداده‌اید، فقط غرق در پشیمانی می‌شوید، و آن کار را از نو انجام نمی‌دهید. اگر خیلی به خاطر آن تأسف بخورید یک وابستگی دیگر است. یک‌بار که کار اشتباهی انجام داده‌اید، دیده‌اید کجای کار اشتباه بوده، و متوجه‌ی آن شده‌اید، آن وقت دفعه‌ی بعد آن را خوب

انجام دهید، آن را دوباره انجام دهید. اگر زمین بخورید و بیفتید، و به جای بلند شدن همان جا دراز بکشید، (حضر می‌خندند) هیچ خوب نیست.

پرسش: امروز صبح بعد از شنیدن آموزش فای استاد، خیلی غمگین شدم. می‌خواهم از استاد بپرسم، آیا شما آن حقایق - فا را قبل از وقوعشان به ما آموزش دادید؟

معلم: نه، اینطور نیست. در حال حاضر مسائل بسیار زیادی هستند که در آنها دخالت نمی‌کنم، زیرا باید خودتان مسیر خود را به خوبی ببینید. برای همه همین‌طور است. این چیزی است که بعد از آنکه در آینده به کمال برسید به جای خواهید گذاشت، و نیز فرصتی است که تقوای عظیم بنا کنید. آنچه که خوب انجام می‌دهید همه‌ی چیزهایی است که به آنها اعتبار بخشیده و روشن‌بین شده‌اید. آن قسمت را مرتب کنید و پس‌مانده‌هایی را که به آنها نیازی نیست بیرون بیندازید، و آن عصاره‌ای که باقی می‌ماند مسیر موفقیت شماست. در مورد حقایق فا که امروز صبح آموزش دادم، در حقیقت، فقط وقتی آنها را آموزش می‌دهم که به صورت گروهی انحراف‌هایی در شرف وقوع است. اگر صرفاً پدیده‌های مجزایی بودند که تأثیر چندانی نداشتند، آنها را عنوان نمی‌کردم، و تمرین‌کنندگان سربعاً آن را به خوبی اداره می‌کردند. حتی در مورد آن موضوعی که صبح درباره‌ی آن صحبت کردم، می‌دانم که در آخر به خوبی آن را می‌فهمید، ولی زبان‌ها وحشتناک می‌بودند و من تعدادی از مریدان دافا را از دست می‌دادم. پس می‌خواستم که درباره‌ی آن صحبت کنم. (تشویق)

پرسش: استاد گرانقدر، تمرین‌کنندگان از اینترنت برای تبادل درک و تجربه استفاده می‌کنند. این قالب خوب است یا بد؟

معلم: فکر می‌کنم خارج از سرزمین چین مشکلی نباشد، اما درباره‌ی جزئیات آنچه برای اعتباربخشی به فا انجام می‌دهید صحبت نکنید. اگر در سرزمین چین است، بهتر این است که اولویت را به امنیت خود بدهید و به نیروهای کهن اجازه‌ی استفاده بردن از شکاف‌ها را ندهید. این موضوعی از ترسیدن یا نترسیدن نیست، در مورد این است که به شیطان اجازه‌ی استفاده از هیچ شکافی را نداد.

پرسش: اگر افکار ما بسیار خالص و درست باشند، آنگاه هیچ راهی برای نیروهای کهن نیست که مداخله کنند. پس اگر مداخله وجود داشته باشد، آیا وضعیت تزکیه‌ی ما را منعکس می‌کند؟

معلم: وقتی مداخله پیش می‌آید معمولاً به خاطر آن نیروهای کهن است. پس وقتی هر کاری را به شکل درست انجام می‌دهیم، آیا باید انتظار داشته باشیم که هیچ مداخله‌ای وجود نداشته باشد؟ آن فقط می‌تواند بسیاری از زبان‌ها را کم کند، زیرا به خاطر این واقعیت که خود شما هنوز عناصری دارید که نمی‌توانید به وجودشان پی ببرید از شکاف‌های شما استفاده می‌شود، و نیروهای کهن به تحمیل کردن آنچه که خواهان انجام آن هستند اصرار می‌ورزند. در عین حال، بعضی شاگردان هستند، خصوصاً گروه سوم شاگردان، که هنوز مقدار معینی کارما دارند، و بنابراین آنها از این چیزها برای بهره‌برداری از شکاف‌ها استفاده خواهند کرد. اما به طور مشابه، استاد آنها را تصدیق نمی‌کند. و شما هم نباید تصدیق‌شان کنید. کارها را به شکلی درست و باوقار به خوبی انجام دهید، آنها را نفی کنید، و قدری افکار درست‌تان را تقویت کنید. "من مرید لی هنگجی هستم، نظم و ترتیب‌های دیگر را نمی‌خواهم و آنها را به رسمیت نمی‌شناسم" -- آن وقت جرأت نمی‌کنند چنان کاری کنند. پس همگی را می‌توان حل و فصل کرد. وقتی که واقعاً بتوانید این کار را انجام دهید، نه اینکه فقط بگویید بلکه آن را به مرحله‌ی عمل درآورید، استاد قطعاً به حمایت از شما برمی‌خیزد. از این گذشته، محافظان فای بسیاری اطراف استاد وجود دارند، بوداها، داتوها، و خدایان بسیاری وجود دارند، و موجوداتی حتی بزرگ‌تر هستند، و تمام آنها درگیر می‌شوند، زیرا شکنجه‌ی تحمیلی که تصدیق نشده باشد جرم است، و

قوانین کهن کیهان نیز آن را مجاز نمی‌دانند— شکنجه‌ی غیرعقلانی به هیچ وجه مجاز نیست، و اگر وضعیت به این شکل باشد نیروهای کهن جرأت نمی‌کنند چنان کاری کنند. پس شما باید تا آنجا که می‌توانید کارها را به‌درستی انجام دهید.

کسی ممکن است فکر کند، "حالا که مسائل را به‌درستی انجام داده‌ام و آنها را خوب انجام داده‌ام، از حالا به بعد اصلاً هیچ محنت دیگری نمی‌تواند وجود داشته باشد." شاید این فکر شما منجر به این شود که محنت‌هایی برای شما درست کنند، چراکه نیروهای کهن معتقدند این شکل دیگری از به رسمیت شناختن آنها است. "آهان، می‌خواهد چنان چیزی وجود نداشته باشد، و می‌خواهد که خیالش راحت باشد. این که نمی‌شود. این فکر باید از سرش برود." پس آیا این بهره‌برداری از شکاف‌های تان نیست؟ در حقیقت، تا زمانی که بتوانید وضعیت ذهنی بسیار صالحی را در زندگی روزانه‌تان حفظ کنید، اکثراً باید مشکلی وجود نداشته باشد.

پرسش: بعد از اصلاح— فا آیا هنوز استاد را می‌شناسیم؟

معلم: استاد یک سیستم مستقل دارد. همگی شما موجوداتی در داخل کیهان هستید، و کیهان بسیار عظیم هر قدر هم بزرگ باشد استاد داخل آن نیست. من بخشی از هیچ یک از این‌ها نیستم، با این حال سیستم مستقل خودم را دارم، به هیچ چیز در این کیهان نیازی ندارم و نیازی ندارم که هیچ چیزی در آن بگذارم، من سیستم متکی به خود و مستقل خودم را دارم. پس به عبارت دیگر، هیچ موجودی در کیهان نمی‌تواند مرا ببیند، و هیچ موجودی نمی‌تواند راجع به من بداند. در واقع من بدون شکل هستم، و برای هر عنصر داخلی یا خارجی، من وجود ندارم، مثل نبودن است، با این حال قادرم تصویرم را در هر سطح کیهانی نشان دهم، که ترفیع در سطوح مختلف این تصویری است که شما می‌توانید امروز ببینید. البته، آن مثل شکل [حاضر در] اینجا در بین انسان‌ها است، و در آینده ممکن است بسیار جوان باشد— بدن ذاتی من بسیار جوان است. به صورت بشری بیان کنیم، در هر سطح شکل [و تصویری] وجود دارد که بر اساس این بنیان تعالی یافته است، تمامش شبیه من است، فقط اینکه این‌طور به نظر می‌رسد که هرچه عناصری که آن را شکل می‌دهند میکروسکوپی‌تر باشند حجم آن بزرگ‌تر است. البته، همچنین می‌توانم هر سطح را به یک بدن فشرده کنم و هم‌زمان بزرگ‌تر و کوچک‌تر شوم، و همین‌طور می‌توانم بدن را بی‌اندازه تقسیم کنم. معنی کلی آن این‌طور است. (تسویق)

پرسش: بعد از اصلاح— فا و زمانی که مریدان به کمال رسیده‌اند، هنوز هم فرصت‌هایی برای رشد خواهد بود؟

معلم: شما زمان بعد از اصلاح— فا را که همه‌ی مریدان به کمال رسیده‌اند مطرح کردید— آیا هنوز هم فرصت‌هایی برای رشد خواهد بود؟ در واقع، درباره‌ی همه‌ی این مسائل صحبت کرده‌ام. طی تزکیه به مقام دستیابی‌تان اعتبار بخشیده و به آن روشن‌بین می‌شوید، یا به عبارت دیگر، هر مقام دستیابی‌ای که بتوانید به آن دست یابید از طریق فرآیند تزکیه کسب می‌شود. می‌خواهید برسید، زمانی که در آسمان‌ها هستیم، آیا می‌توانم به تزکیه و رشد ادامه دهم؟ عناصر و مکانیزم‌هایی به این منظور وجود دارند، اما فقط ذره‌ای رشد کردن، پروژه‌ای بسیار طولانی و بسیار عظیم است. به آسانی روی زمین نیست. ولی هیچ کسی جرأت نمی‌کند به زمین بیاید، چراکه بعد از آمدن به اینجا ممکن است به یک خدا یا بودا که به این دنیا بیاید تا مردم را نجات دهد برخورد کند. بعد از پایین آمدن، آن ذهن شما پاک می‌شود، و هیچ چیزی نمی‌دانید— امکانش هست حتی مخالف تزکیه شوید. پس کسی جرأت نمی‌کند بیاید.

پرسش: برای مریدان دافا به صورت کل، بعضی از نواحی و کوتاهی‌های بنیادین که نیازمند رشد است کدام‌ها هستند؟

معلم: برای مریدان دافا به صورت کل، در روند اعتباربخشی به فا، وقتی با همدیگر هم آهنگ کار می‌کنید، قدرت فا عظیم است. خواه کارها را گروهی انجام می‌دهید یا تنهایی، کاری که در حال انجام آن هستید همان نوع کار است و منظور ما از یک

وجود این است. همگی در حال آشکارسازی حقیقت، فرستادن افکار درست، و مطالعه‌ی فا هستیید، بنابراین جزئیات کارهایی که می‌کنید فرق می‌کند ولی قسمت‌بندی نقش‌ها منظم است، با هم، یک شکل وجود دارد، و جدا از هم ذرات وجود دارند. وقتی که به صورت یک وجود مشکلاتی برای تان پیش می‌آید استاد قطعاً در مورد آنها صحبت می‌کند، و وقتی که مسئله‌ی بارزی وجود ندارد استاد حرفی نخواهد زد. بنابراین وقتی که روی وضعیت کل وجود تأثیر نگذارد من چیزی نمی‌گویم.

پرسش: استاد محترم و محبوب، لطفاً مرا نجات دهید. من گناهان بزرگی کرده‌ام، برای همین یک پسر عقب‌مانده‌ی ذهنی دارم.

معلم: استاد قطعاً تمام موجودات ذی‌شعور در این دنیا را نجات خواهد داد. (تشویق) من طی دوره‌های زمانی مختلف و به روش‌های مختلف از شکل‌های مختلف نجات استفاده خواهیم کرد.

پرسش: افکار من در رؤیاهایم خیلی درست نبودند، و می‌ترسم که ممکن است به موجودی صدمه زده باشم.

معلم: نگران نباشید، خواب خواب است، خواب تزکیه نیست، و ضرورتاً شبیه چیزی که تصور کردید نخواهد بود. تا زمانی که بتوانید تزکیه را کامل کنید، استاد به راه‌هایی فکر خواهد کرد تا همه‌ی اشتباهاتی را که مرتکب شده‌اید به طور کامل حل و فصل کند. (تشویق) به آن چیزها فکر نکنید. اگر خیلی در موردشان فکر کنید یک وابستگی می‌شود، و نمی‌توانید تزکیه کنید.

پرسش: ممکن است از استاد گرانقدر بی‌رسم که، طی اصلاح-فا، آیا زمانی که کارهایی انجام می‌دهیم موضوع ایجاد تعادل بین اهمیت و فوریت مسائل وجود دارد، و ما چگونه باید این مسئله را درست اداره کنیم؟

معلم: خوب، این در مورد موضوعات خاص است. و مسائل خاص همگی بخشی از بنا کردن تقوای عظیم‌تان توسط شما هستند، و بخشی از مسیرهایی هستند که باید بپیمایید، و کارهایی که خودتان انجام می‌دهید. البته، لازم است اهمیت و فوریت را سبک و سنگین کنید، و خودتان مسائل را اولویت‌بندی کنید. اگر خوب اولویت‌بندی نکنید، آنگاه ممکن است روی آنچه که لازم است انجام دهید تأثیر بگذارد چراکه، بگذارید برای تان بگویم، همه‌ی آنچه که انجام می‌دهید برای خودتان است. اینکه بتوان کارها را خوب اولویت‌بندی کرد به خودی خودی تحسین‌برانگیز است، و منجر به این می‌شود که مسیر را درست بپیمایید، و این تقوای عظیم است. برای من سخت است که درباره‌ی جزئیات با شما صحبت کنم. استاد نمی‌تواند شما را از فرصت به کمال رساندن مسیر خودتان محروم کند.

پرسش: اغلب به خاطر این که نمی‌توانم قلبی از نیک‌خواهی را تزکیه کنم خودم را سرزنش می‌کنم، و احساس دلسردی و بی‌تفاوتی می‌کنم، خصوصاً در مورد آن دوستان و آشنایان اطرافم که مطالب [آشکارسازی حقایق مربوط به] دافا را نمی‌پذیرند.

معلم: می‌توانم به شما بگویم، ما تزکیه‌کننده هستیم، پس لازم است با همه‌ی موجودات ذی‌شعور اطراف‌تان تا آنجا که می‌توانید نیک‌خواهانه رفتار کنید. شاید فرصت تقدیری بعضی‌ها هنوز به موعده‌ی نرسیده باشد. شاید بعضی‌ها واقعاً به طور عمیق مسموم شده‌اند ولی هنوز بتوان آنها را نجات داد. البته، عده‌ای هستند که نمی‌توانند نجات یابند، ولی اکثریت می‌توانند. در حال حاضر نمی‌توانید آنها را از هم تشخیص دهید. فکر می‌کنم به هیچ وجه نباید دلسرد یا بی‌تفاوت شوید. او هر کسی هم که باشد نیک‌خواهانه این کار را انجام دهید، و با نیک‌خواهی‌ای که بتواند فولاد را ذوب کند می‌توانید آن را خوب انجام دهید. (تشویق)

پرسش: بسیاری از کشورها در حال حاضر فریب ظاهر اقتصاد چین را می‌خورند، و این یک مانع بزرگ برای آشکارسازی حقیقت ما به دولت کشورهای مختلف و به جامعه‌ی کسب و کار شده است. امیدواریم استاد گرانقدر در این قسمت کمی ما را راهنمایی کنند.

معلم: بله، دولت چین یک چهارم منابع مالی کشور و مردم را برای آزار و شکنجه‌ی فالون گونگ صرف کرده است. آیا اگر از نظر اقتصادی توانمند نبود می‌توانست فالون گونگ را شکنجه کند؟ آیا مردم در آن جامعه به دستوراتش گوش می‌کردند؟ آیا یک شخص فقط برای اینکه کسی به او گفته، کاری بر خلاف وجدانش انجام می‌دهد؟ هم‌اکنون به خاطر این است که با پول سر پا نگه داشته می‌شود. و چرا این‌طور است که در جامعه‌ی جهانی، آن همه دستگاه‌های رسانه‌ای و دولت‌ها همگی در این ماجرا این اندازه سکوت کرده‌اند، و چرا می‌توانند در مواجهه با این فاجعه خودشان را به آن راه بزنند؟ آنها منافع بسیار و سود فراوانی دارند که در این تنیده شده است.

طی این شکنجه‌ی شیطانی، همه چیز در چین، چه پیشرفت در حکومت باشد یا عواید مالی شرکت‌ها، همگی به فالون گونگ گره خورده است. و این شامل امتحان ورودی محصلین و کارنامه‌ای که هنگام اخذ مدرک می‌دهند می‌شود، همه چیز باید به فالون گونگ گره خورده باشد. به منظور آزار و شکنجه‌ی فالون گونگ، وجه بسیار زیادی به امنیت عمومی، حقوق سیاسی، دستگاه قضایی، امور خارجه، اداره‌ی بدنهاد ۱۰۶، و مأموران ویژه‌ی امنیتی تخصیص داده می‌شود. و به منظور فریب دادن مردم، مبلغ بسیار زیادی در دستگاه‌های تبلیغاتی گوناگون سرمایه‌گذاری شده است، در رادیو، تلویزیون، مطبوعات، هنر و ادبیات، رویدادهای فرهنگی، و حتی در مسدودسازی تلویزیون، رادیو، و شبکه‌های کامپیوتری. و تعداد بسیار زیادی مأمور به جامعه‌ی جهانی فرستاده شده‌اند تا به فالون گونگ شکنجه و آزار برسانند. ولی آن افراد پول را با خودشان به خارج می‌بردند و سپس همین که پول به حساب شخصی‌شان واریز می‌شد، همان موقع روال‌های اخذ مهاجرت را آغاز می‌کردند-- "در مواقع عادی، اگر بخواهم بروم نمی‌گذارند، اما حالا برای این کار به من پول می‌دهند... واقعاً عالی است. اما چطور می‌توانم بروم و در چنان جامعه‌ای جرم کنم؟ بهتر است راه فراری برای خودم بگذارم". ترفندهای استفاده شده در شکنجه و آزار، احتمالاً بهترین ترفندها هستند، ولی آنها از اینکه پول مردم را، که با ریختن عرق و مشقت کشیدن به دست آمده، خرج این می‌کنند که برگردند و آن مردم را شکنجه کنند شرمی ندارند، و میزانی که صرف کرده‌اند بسیار هنگفت است.

این‌طور به نظر می‌رسد که تا زمانی که موضوع فالون گونگ حل و فصل نشده باشد، آن اجتماع واقعاً هیچ امیدی به تغییر نخواهد داشت و هیچ چیز نمی‌تواند به ثبات برسد، چراکه تماماً روی فالون گونگ متمرکز است و وقت این را ندارد که نگران چیز دیگری باشد. هم‌اکنون به خاطر فالون گونگ وجود دارد. آن مجموعه تشکیلات بی‌ارزش تماماً به خاطر فالون گونگ دایر است-- چه کار دیگری می‌تواند انجام دهد؟

تمام این با سرمایه‌گذاری خارجی ممکن شده است، و نیروهای کهن آن کار را کردند. صرفاً درحال استفاده از پول هستند تا شیطان را بر پا نگه دارند. طی این دوره که شیطان درحال شکنجه و آزار دافا است، شما آنجا پول سرمایه‌گذاری می‌کنید. این یعنی آن افراد بسیار ثروتمند که درحال انتخاب آینده‌ی خود هستند، آگاهانه پول خود را دور بریزند. در این شکنجه و آزار، سرمایه‌گذاری پول‌تان در آنجا درست مانند حمایت شکنجه‌ی شیطان است، و مرتکب گناه شده‌اید. اگر شکنجه و آزار دافا آنجا در چین وجود نداشت اهمیتی نمی‌داشت که چه مقدار پول سرمایه‌گذاری کرده‌اید. در ظاهر مردم نمی‌دانند، ولی افراد همگی جنبه‌ای دارند که آگاه است. واقعاً نمی‌توانید بگویید که نمی‌دانستید.

پرسش: اگر کسانی که مسئول مراکز دستیاری یا انجمن‌های فالون دافا هستند نتوانند همگام با پیشرفت اصلاح-فا باشند و قادر به شنیدن انتقاد نباشند...

معلم: آیا این وضعیت مراکز دستیاری و انجمن‌های فالون دافای ما است؟ لازم است، صادقانه، عمیقاً به درون خود نگاه کنید، و با نگرش درست به پیشنهادات تمرین‌کنندگان گوش بدهید. اما اگر به طرف دیگر این موضوع نگاه کنیم، آیا حقیقت ندارد که روشی که تمرین‌کنندگان به مسائل نگاه می‌کرده‌اند کم و کاستی دارد؟ اگر شما در آن نقش بودید، عملکردتان چگونه می‌شد؟ این انتقاد نیست، بگذارید این موضوعات را کنار بگذاریم و نظری بیندازیم-- آیا آنها واقعاً مشکل دارند، یا این‌طور است

که روش خود ما در ملاحظه‌ی مشکلات جامع نیست. یا اگر آنها واقعاً مشکلات بزرگی دارند، آن وقت چون شخص مسئول مراکز دستیاری هستند، اینجا موضوعی هست که باید آن را مورد ملاحظه قرار داد. مسئولیت‌های آنها حتی بزرگ‌تر است، چراکه اگر یک مرید دافا به خاطر اشتباهات آنها از بین برود فکر می‌کنم آن گناه، صرفاً بسیار عظیم است. البته، این قدر شدید نخواهد بود، چراکه هنوز استاد هست که مراقب مسائل باشد. اما شما همگی تزکیه می‌کنید، و هر طوری هم که باشد، نمی‌توانید کوتاهی‌ها، وابستگی‌ها، و چیزهایی را که نمی‌توانید رهایشان کنید با خود به کمال ببرید. پس هر کاری هم که انجام بدهید، اول از همه بایستی به دافا فکر کنید، و بیش از حد به چیزهای خودتان تأکید نداشته باشید.

در ادامه به این اشاره می‌کنم که، واقعیت این است که آن افرادی که در نواحی مختلف مسئول هستند نیز تزکیه‌کننده‌اند، و نباید آنها را استاد در نظر بگیرید یا از آنها انتظار چنان استانداردهای بالایی داشته باشید. اشتباه کردن در بعضی زمینه‌ها آسان است، پس وقتی چنین اتفاقی می‌افتد صرفاً افکار خود را با همدیگر در میان بگذارید و کمی بحث و صحبت کنید. زمانی که واقعاً از دید مسئول بودن نسبت به فا به امور نگاه کنید و واقعاً قلبی داشته باشید که بتواند فولاد را ذوب کند، واقعاً باورم نمی‌شود که نتوان امور را خوب اداره کرد. و بر اساس نوعی نظر سفت و سختی که دارید اصرار نداشته باشید که تمرین‌کننده‌ی دیگری خوب نیست-- من، استاد شما، معتقدم که او خوب است. و فکر نکنید که ارتباط برقرار کردن سخت است. هیچ کدام از طرفین موقع انجام کارها "یک‌خواهی عظیم" را رعایت نکرده‌اند. اگر واقعاً بتوانید به نیک‌خواهی عظیم عینیت ببخشید، فکر می‌کنم آن چیزهایی که صحیح نیستند قطعاً اصلاح می‌شوند.

پرسش: آیا تلاش‌های ما در آشکارسازی حقیقت به چینی‌هایی که در خارج زندگی می‌کنند خیلی نقص دارد؟ خصوصاً در غرب ایالات متحده سازمان‌های چینی بسیار زیادی، و چینی‌های خیلی زیادی از سرزمین چین هستند. آیا اینکه می‌توانند در خارج باشند بخشی از رابطه‌ی تقدیری آنها است؟

معلم: می‌توانید این را راجع به رابطه‌ی تقدیری بگویید، ولی در مورد آنهایی که نقشی مثبت دارند و آنهایی که نقشی منفی دارند، هر دو وجود دارند، و این صرفاً طوری است که نیروهای کهن ترتیب دادند. من اصلاً آن را تصدیق نمی‌کنم. لحظاتی پیش گفتم که هر کسی در دنیا جزئی از خانواده‌ی من بوده است. نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را تصدیق نکنید، و تا آنجا که ممکن است روی آشکارسازی حقیقت کار کنید. خواه غرب ایالات متحده باشد یا شرق ایالات متحده، باید آن را به بهترین شکلی که می‌توانیم انجام دهیم. اما استاد در حال پیشنهاد کردن این نیست که هر چیز دیگری را کنار بگذارید، این عملی نمی‌بود که هر چیز دیگری را نادیده می‌گرفتید. در عوض، صرفاً وقت‌تان را خوب مدیریت کنید، و آنچه که در توان‌تان است برای نجات مردم انجام دهید. مورد دیگر این است که آن فرد چینی که او را نجات دادید، می‌رود و به دیگران هم می‌گوید، پس این دادن فرصتی به او برای به دست آوردن میزانی از شایستگی است. در این شکنجه و آزار مردم مرتکب گناهی شده‌اند، و در همراهی این شکنجه و آزار دستی داشته‌اند و آتش خشم شیطان را شعله‌ورتر کرده‌اند، بنابراین به آنها فرصت‌هایی داده خواهد شد که گناهان‌شان را پاک کنند. بعد از اینکه متوجه حقیقت شوند همه جا در مورد آن صحبت می‌کنند، و این پاک کردن گناهان‌شان می‌شود، پس باید بهترین تلاش‌تان را بکنید.

پرسش: وقتی در ناحیه‌ی ما انتخابات برگزار می‌شود، افرادی بودند که رفتند تا به تعداد کمی از کاندیداهای مجلس که از دافا حمایت کردند کمک کنند. ولی بعضی از افراد فکر کردند که ما نباید خودمان را در سیاست درگیر کنیم، و اینکه نباید به افراد عادی تکیه کنیم که کارهایی برای دافا انجام دهند. آیا این درک درست است؟

معلم: در اصل درست است، ولی در خصوص این موضوع مشخص باید این گونه به آن نگاه کنید. اگر بگویید که مریدان دافا نمی‌توانند در سیاست اجتماع عادی درگیر شوند، نمی‌گویم ۱۰۰٪ درست است. چیزی که به شما گفتم این بودم که دافا در

سیاست درگیر نمی‌شود. و بسیاری از مریدان دافای ما در حوزه‌ی سیاست مشغول به کار هستند، این شغل‌شان است. پس آیا اگر یک انتخابات کشوری وجود داشته باشد، شما باید شرکت کنید؟ اگر در آن شرکت کنید و رأی خود را در صندوق بیندازید، خوب آن وقت درگیر سیاست شده‌اید. تزکیه کردن یک مرید دافا در اجتماع عادی به این معنی است که بهترین سعی‌تان را می‌کنید تا درحالی که با اجتماع عادی مطابقت دارید تزکیه کنید، و آنگاه مشکلی وجود نخواهد داشت. شما نیز عضوی از اجتماع عادی هستید. و موجودیت اجتماع عادی برای دافا، برای کیهان، و برای موجودات ذی‌شعور لازم است. ما فقط می‌توانیم کمک کنیم حفظ شود و نمی‌توانیم آن را به اختلال بکشانیم. وقتی قرار است رأی بدهید، فقط بروید رأی دهید، این مشکلی نیست. اگر می‌گویید که نماینده‌ی خاصی یکی از دوستان‌تان است، و شما مایلید در انجام کاری به او کمک کنید، آنگاه البته ممکن است مسائلی باشند که درگیر انتخابات شوند و شما مشغول کار داوطلبانه شوید— این اهمیتی ندارد. اما دافای ما به صورت کل، در سیاست درگیر نمی‌شود، و نمی‌توانیم هیچ کار سیاسی‌ای را تحت نام دافا انجام دهیم. برای مریدان دافا، به هرجهت اولویت باید اعتباربخشی به فا باشد.

بار آخری که انتخاباتی در تایوان بود، به یک تمرین‌کننده‌ی قدیمی سپردم تا با شخص مسئول انجمن دافای تایوان تماس بگیرد و برای عموم روشن کند که در انتخابات، انجمن‌های دافا هیچ موضع‌گیری نمی‌کنند. اگر یک نفر تمرین‌کننده بخواهد کسی را حمایت کند، این موضوع شخص اوست و نمایانگر دافا نیست. مریدان دافایی در حمایت از هر دو جناح وجود داشتند. انجمن فالون دافا هیچ نظر سیاسی در خصوص گزینش هیچ حزبی ندارد، و درگیر نمی‌شود. به عنوان تمرین‌کنندگان منفرد، شما می‌توانید هر کسی را که مایل هستید حمایت کنید. نحوه‌ی عملکرد آن به این صورت است.

پرسش: اخیراً هنگام انجام کار اصلاح- فا فشار بسیار زیادی وجود داشته است. شبیه فشاری نامرئی به نظر می‌رسد. نمی‌دانم که آیا این احساس مرتبط با وضعیت کلی اصلاح- فا است.

معلم: فکر می‌کنم نیروهای کهنی که توسط فا اصلاح نشده‌اند مسلماً احساس کرده‌اند که فشار عظیم‌تر و عظیم‌تر می‌شود، و هر چه به انتها نزدیک‌تر می‌شود، در سمتی که بر روی آن کار می‌شود فشار بیشتری وجود دارد. بنابراین بعضی مواقع این وضعیت پیچیده‌ای را برای ما ایجاد می‌کند، و تمامش همین است. فقط افکار درست بیشتری بفرستید تا مداخله را دور کنید، و آن را چیز مهمی نبینید. در واقع در حال حاضر من چیزی را خیلی واضح می‌بینم، و شما نیز آن را واضح می‌بینید، و آن این است که، هیچ کسی نمی‌تواند به دافا صدمه بزند. تمام امیدهای صدمه زدن به آن بیهوده است، و حتی اگر من، لی هنگ‌جی، اینجا حضور نداشتم باز هم هیچ کسی نمی‌توانست به آن دست بزند. هر کدام شما مثل یک دستیار است، هر کدام شما ذره‌ای از دافا است، هر کدام شما غرقه در فا است و در آن آبدیده می‌شود، و هر کدام از شما می‌داند که چه کار کند. مریدان دافا در سرزمین چین پیش از این، در اعمال‌شان و بی‌بهره از حضور استاد، ثابت کرده‌اند که دافا خدشه‌ناپذیر است. تا زمانی که آنچه را که مریدان دافا باید انجام دهند انجام دهید، هر چیزی می‌تواند حل و فصل شود.

پرسش: استاد به ما گفته‌اند که باید بردباری عظیمی داشته باشیم، ولی من هنوز گاه و بی‌گاه سر موضوعات کوچک گیر می‌کنم.

معلم: پس فقط تغییر کنید. شما باید نیک‌خواهی و بردباری نشان دهید، و بیشتر ملاحظه‌ی دیگران را بکنید، و اینجا بین موجودات انسانی این برای شما یک عادت خواهد شد. وقتی خودتان را ملامت می‌کنید آن را دوست ندارم، کاملاً بی‌مورد است. فقط چیزی را که گفتم تکرار می‌کنم: اگر افتاده‌اید همان جا دراز نکشید، درجا بلند شوید!

پرسش: اگر کسی جن، شن، رن را قبول داشته باشد، ولی فالون گونگ را نه، نتیجه‌ی نهایی برای او چه می‌شود؟

معلم: در حقیقت، بگذارید به شما بگویم، شما نباید به چیزهایی که مردم عادی می‌گویند زیاد توجه کنید، چون بسیاری از مردم عادی معقول نیستند. موجودات بشری، می‌دانید، تحت تأثیر بسیاری از مفاهیم در اجتماع عادی واقع شده‌اند، و پیوسته مفاهیم [و تصورات] مختلفی را شکل می‌دهند، که به شدت روی سرشت اصلی و افکار حقیقی آنها تأثیر می‌گذارد. بنابراین چیزهایی که بعضی افراد می‌گویند به نظر راست است ولی در واقع نادرستند، صادقانه نیستند، یا خوب روی‌شان فکر نشده است. فکر نکنید مردم عادی به اندازه‌ی شما معقول هستند. افراد بسیار بسیار زیادی در حال حاضر خیلی نامعقولند، و راستش، شما هم اول همین‌طور بودید. (حاضر می‌خوانند) فقط بعد از اینکه به بلوغ رسیدید و چیزهای بد بیرون آورده شدند معقول‌تر شدید. زمانی که یک فرد عادی چیزها را می‌فهمد، یا تصمیم می‌گیرد که چیزی خوب است یا بد، این کار در سطح بسیار کم‌عمق و سطحی‌ای انجام می‌شود. حتی چیزهایی که به خانواده‌ی خود و به افرادی که در حق او خیلی کار انجام داده‌اند می‌گوید، به نظر راست می‌رسد ولی در حقیقت راست نیست، صادقانه نیست، او به وعده‌هایش عمل نمی‌کند، و از مسئولیت هر پیامدی‌شانه خالی می‌کند. پس فکر نکنید که آن مهم است. اگر می‌خواهید او را نجات دهید پس لازم است کمکش کنید که معقول شود.

پرسش: هنگام آشکارسازی حقیقت به چین به منظور مطابقت داشتن با روش افراد عادی، مطلب آشکارسازی حقیقت را کنار مضمونی قرار می‌دهیم که با وابستگی‌های افرادی عادی مطابقت دارد. چگونه باید این را به طور شایسته اداره کنیم؟ هرچند نوعی مضمون ناسالم مطابق وابستگی‌های افراد عادی باشد، باز هم نباید از آن استفاده کرد.

معلم: بعضی از شاگردان در واقع این را به من گفته‌اند: وقتی بعضی از شاگردان ما که قبلاً قدم پیش گذاشته بودند یا خوب عمل نکرده‌اند قدم پیش می‌گذارند، بلافاصله می‌خواهند کارهای خوب بیشتری انجام دهند، و با شایستگی [حاصل از آن] اشتباهات‌شان را جبران کنند. ولی آنها سابقاً در سطوح‌شان تنزل داشته‌اند، بنابراین حالا بین آنها و آن تمرین‌کنندگانی که تمام مدت بخشی از اصلاح-فا بوده‌اند شکافی هست؛ ولی این شکاف چیزی نیست که آن شخص بتواند ببیند، هرچند مریدان دیگر می‌توانند آن را ببینند، و مخصوصاً خود را در کارهای خاص اصلاح-فا یا درک‌ها نشان می‌دهد. بنابراین وقتی که او کارهای اصلاح-فای معینی را انجام می‌دهد یا چیزهای خاصی می‌گوید، مریدان دیگر دافا می‌توانند متوجه آن شوند. حالا، حرف من این نیست که این تمرین‌کنندگان اصلاً خوب نیستند، من گفته‌ام که اگر زمین خوردید، خودتان را بلند کنید و راه‌تان را از سر بگیرید—استاد شما را ترک نخواهد کرد، و شما نباید اعتماد به نفس‌تان را از دست بدهید. هنوز فرصت هست، و هر طوری هم که باشد من شما را نجات می‌دهم. حالا آیا باز هم اعتماد به نفس ندارید؟ (تشویق) پس حالا شما، تمرین‌کنندگانی که همیشه خوب عمل کرده‌اید، باید با مهربانی به آنها کمک کنید، و مثل طوری که موقع صحبت با تمرین‌کنندگان دیگر هستید خیلی جدی و سخت‌گیر نباشید. حتی اگر کلمات‌تان بی‌منظور باشند ممکن است او طور متفاوتی آنها را بشنود، پس لازم است با مهربانی حرف بزنید و به او بگویید که چگونه کارها را انجام دهد. البته، نباید بگذارید که متوجه این شود، چون یک‌بار که متوجه‌اش شود حس می‌کند که با او جور دیگری رفتار می‌کنید، و سپس در ذهنش موانعی شکل می‌گیرد و برای تفکر او ایجاد مشکل می‌کند. بعضی از تمرین‌کنندگان ما که اخیراً قدم پیش گذاشته‌اند نیز باید قدری به این مسئله توجه کنند—گوش کردن به نصیحت دیگران سودمند است، این هرچه باشد تزکیه است. قبول کردن نصیحت صادقانه سخت است، ولی برای‌تان خوب است.

پرسش: علاوه بر تولید مقدار بسیار زیادی فیلم آشکارسازی حقیقت، آیا می‌توانیم تعداد کمی فیلم سودمند برای برطرف کردن نیازهای مختلف مردم عادی بسازیم؟

معلم: باید به شما بگویم، ما واقعاً در حال حاضر زمان این کار را نداریم، زیرا مریدان دافا درحال ارائه‌ی هر چه در توان دارند در اعتباربخشی به فا هستند. اگر آنها ساخته شوند، به مردم عادی نفع می‌رسانند، شکی در این نیست—فرهنگ طبیعی

مردم در حال لغزش به پایین است. اما این کاری نیست که امروز انجام دهید. کاری است که در مرحله‌ی بعدی در آینده انجام می‌شود. بنابراین در حال حاضر مریدان دافا باید در قسمت آشکارسازی حقیقت انرژی بیشتری صرف کنند و بیشتر انجام دهند.

پرسش: آیا ما باید برنامه‌های آشکارسازی حقیقت را در تعداد زیاد بر روی اینترنت بگذاریم تا مریدان دافا در چین بتوانند از آنها برای تولید سی‌دی‌های تصویری استفاده کنند؟

معلم: البته که این کار خوبی است. و نه فقط باید این کار را انجام دهید، بلکه اگر می‌توانید باید در تعداد زیاد انجامش دهید. ذهن چینی‌ها خیلی عمیق مسموم شده است، و لازم است به آنها کمک کنید که حقیقت را متوجه شوند. بگذارید بدانند ما در پی نوعی هدف سیاسی نیستیم، و در عین بی‌گناهی شکنجه می‌شویم. از نگاه یک فرد عادی، مسلماً خواست‌مان این است که به مردم دنیا بگوییم ماهیت ما چیست. و از منظر فاشیسم، مسلماً در حال نجات آنها هستیم، نجات آنها از سرنوشت نابود شدن به خاطر آن.

پرسش: زمانی که مریدان اصلاح-فا به فا اعتبار می‌بخشند، گذشته از کمال خودشان، آیا این همچنین اعتبار بخشیدن به فا به خاطر موجودات دیگر است؟

معلم: موجودات دیگر... فعلاً نیازی نیست نگران آنها باشید. (معلم می‌خندد) اما، می‌توانم به شما بگویم که قبلاً حدود زمان ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹، زمانی که آن دسته‌های انبوه شیطان به پایین فشار داده می‌شدند، آنها درحقیقت همه‌ی افراد شیطانی در دنیا را کنترل می‌کردند. همه‌ی افراد عادی نیز کنترل می‌شدند، و نه فقط موجودات انسانی، حتی حیوانات و گیاهان هم کنترل می‌شدند. می‌توانستید ببینید که حتی هر ساقه‌ی علف و هر درخت به نظر می‌رسید که دشمنی بسیاری با ما دارد. سال دوم امور بهتر شدند، چون همه‌ی شیطانی که به پایین فشرده شده بود پاک‌سازی شد، و در آن زمان فقط قسمت موجود در چین باقی ماند، و آن به سرعت ذره ذره در حال پاک شدن بود. در حال حاضر مردم دنیا از همه مهم‌تر هستند، چون امروز هیچ کسی بدون اینکه دلیل بزرگی وجود داشته باشد در دنیا حضور ندارد.

پرسش: من دو پرسش دارم. اغلب احساس می‌کنم که هر روز سرم شلوغ است، هر روز درگیر انجام کارها هستم، و با این حال نتایج خوب نیست. و بعضی مواقع نسبت به کار معینی که در ارتباط با دافا است و نجات هم‌شاگردی‌ها احساس بی‌تفاوتی می‌کنم. چگونه باید این وضعیت را تغییر دهم؟

معلم: فقط می‌توانم به شما بگویم که به طور منطقی برای زمان‌تان برنامه‌ریزی کنید. زمان هر کسی محدود است، و استاد این را می‌داند. پس [باید سعی کنید پی ببرید که] چگونه حساب شده زمان خود را سهمیه‌بندی کنید. شما باید مریدان دافا و هم‌ترکیه‌کنندگان خود را رهایی دهید— نمی‌توانیم بگذاریم شیطان وحشیانه و بی‌ممانعت آنها را شکنجه کند. در حقیقت، می‌خواهم به شما بگویم، همه‌ی روش‌هایی که آنها برای شکنجه و آزار دافا استفاده می‌کنند آخر حماقت است، و وقتی به عقب نگاهی می‌کنید می‌توانید ببینید که این حقیقت دارد، چراکه نیروهای کهن آن را این‌گونه نظم و ترتیب دادند. چگونه آنها می‌توانند شهروندان کشورهای دیگر را دستگیر کنند؟ آیا می‌دانید؟ زمانی که حقیقت را آشکار می‌کنید و یک‌بار که آمریکایی‌ها متوجه بشوند، مردم آمریکا به خشم می‌آیند. از همان زمان اصلاحات و گشودن درها به روی غرب، دولت چین خودش را به آب و آتش زده تا به دنیا نشان دهد که چقدر عالی است، تا که مردم با موجودیت حکومت حزب xxxx کنار بیایند. آیا همین‌طور نیست؟ با این وجود در خصوص اجتماع غرب، خصوصاً در بین مردم آمریکا، آنها همان موقع نسبت به حزب xxxx احساسی حاکی از بی‌زاری داشتند. وقتی آنها دست به این کارها می‌زنند فقط باعث می‌شود آمریکایی‌ها درون‌شان حس منفی بیشتری داشته

باشند، و باعث می‌شود که ملت‌های دیگر در همه جای دنیا احساس بی‌نهایت منفی‌ای نسبت به آنها داشته باشند. حالا حتی در کشورهای دیگر هم درحال از دست دادن جای خود در قلب مردم هستند، و پیوسته این کارهای احمقانه را انجام می‌دهند.

پرسش: ما هنوز در به کارگیری قدرت تمام بدن خوب کار نکرده‌ایم، و بعضی اوقات احساس می‌کنم که هماهنگ‌کنندگان اصلی یا افراد مسئول در انجمن فالون دافا بر طبق فا کارها را انجام نمی‌دهند. آنها نمی‌خواهند آزادی عمل داده و به دیگران اجازه‌ی انجام کارها را بدهند، و ما برای به توافق رسیدن طی گفتگوها مشکل داریم. بعد می‌شنویم که آنها شخصاً توسط استاد گران‌قدر انتخاب شده‌اند، بنابراین بعضی مواقع با اینکه می‌دانیم که در اشتباه هستند، هنوز مجبوریم حمایت‌شان کنیم. (حضار می‌خندند)

معلم: همان ابتدای سال گذشته به تمرین‌کنندگان در هر یک از انجمن‌های فالون دافا گفته بودم که وقتی به اعتباربخشی افراد منفرد به فا می‌رسد آزادی عمل بدهند، و اینکه هر شخصی لازم است مسیر خود را در اعتباربخشی به فا پیماید. تمرین‌کنندگان ما ممکن است ۱۰۰ درصد مواقع درست نباشند، ولی شما هماهنگ‌کنندگان ما، آیا شنیدید؟ تمرین‌کنندگان این‌گونه فکر می‌کنند— آیا همگی شنیدید؟ البته خودتان تزکیه‌کننده‌اید، و استاد نمی‌تواند انتظار داشته باشد که امور را کامل و عاری از خطا انجام دهید، اما، حالا که تمرین‌کنندگان این افکار را دارند برنگردید و سرزنش‌شان کنید— آنها این کار را به خاطر فا انجام می‌دهند، و من می‌توانم پیام‌های آنان را در هر کلمه و هر خط ببینم. به خاطر خودشان نیست، برای فا است. (تشویق)

پرسش: سرمایه‌گذاری کردن می‌تواند پول به همراه بیاورد. ولی عده‌ای از مریدان فکر می‌کنند که استفاده کردن از پولی که در مدت دو یا سه سال عایدمان می‌شود خیلی دیر خواهد بود، و اینکه اگر مقداری پول داریم بهتر است به جای آن کار همین حالا آن را برای نجات مردم به کار ببریم.

معلم: این در ظاهر تا حدی منطقی به نظر می‌رسد، ولی واقعیت این است که هنوز به افراط رفتن است. من فکر می‌کنم که نمی‌توانید از زندگی‌تان غافل شوید و همه چیز را نادیده بگیرید. درحال گفتن این به شما هستم که آنچه درحال به‌جای گذاشتن هستید مسیر تزکیه برای مردم آینده است. اگر تمام مردم در آینده به این صورت به افراط بروند، به شغل یا کسب و کارشان اهمیتی ندهند، یا حتی درحالی که به دافا اعتبار می‌بخشند بروند و برای غذا گدایی کنند، این به‌هیچ‌وجه عملی نیست. باید مطمئن باشید که زندگی‌تان برقرار است، و شغل‌تان را خوب انجام دهید. بگذارید به شما بگویم، شما عضوی از جامعه هستید، و باید بهترین سعی‌تان را بکنید که در هر شغلی که در جامعه دارید هر کاری را که قرار است انجام دهید خوب انجام دهید، باید هر جا که هستید فرد خوبی باشید، و به این شکل باعث شوید افراد جامعه همگی بگویند که شما فرد خوبی هستید. (تشویق) موقع انجام کارها افراطی عمل نکنید. هر جنبه‌ی مسیری که برمی‌گزینیم باید درست باشد.

بعضی افراد می‌گویند، "من درحال طرح‌ریزی این هستم که پول بسیار زیادی در بیاورم تا بعداً بشود آن را برای فا به کار برد." آن آب دوردست ممکن است تشنگی فوری را فرو نهند، ولی این اشتباه نیست که بعضی مسائل افراد عادی‌وار را طرح‌ریزی کنید. لازم نیست درباره‌ی این صحبت کنید که مقداری پول در بیاورید که برای دافا استفاده کنید— لازم نیست درباره‌ی دادن آن به دافا فکر کنید. اگر بخواهید درباره‌ی انجام نوعی کسب و کار بسیار عالی صحبت کنید، و با آن تجارت بزرگ پول بسیار زیادی در بیاورید، می‌توانید به همین بسنده کنید، (حضار می‌خندند) و لازم نیست دافا را ذکر کنید. این قسمت آخر همیشه به نظرم یک توجیه است. (حضار می‌خندند) علت این است که به شما گفته‌ام برای مریدان دافا ایرادی ندارد پول بسیار زیادی به دست بیاورند، و می‌توانید هر نوعی از کار را انجام دهید— این موضوعی نیست. فقط اینکه در هر کاری که انجام می‌دهید لازم است بر طبق وجدان‌تان عمل کنید و فرد خوبی باشید. (تشویق)

پرسش: وقتی انرژی بد می‌رسد، می‌توانم آن را حس کنم، و سعی می‌کنم افکار درست بفرستم تا جلوی نیروی شیطانی را بگیرم، ولی خواب‌آلوده و سست می‌شوم، و کارمای بیماری نشان می‌دهم. چگونه می‌توانم انرژی بد را متوقف کنم؟

معلم: بیش از حد از آن انرژی بد می‌ترسید. اگر بباید، شما قادرید آن را منحل کنید، آن را برای استفاده‌ی خود ذوب کرده و به چی نخستین تبدیل کنید. مطلبی را به شما می‌گویم: قبل از اینکه فا را پخش کنم، و قبل از اینکه آن عناصر سطح بالا به اینجا بیایند، هیچ نیروی کهنی وجود نداشت، و آن وقت‌ها من راه‌های دیگری برای اداره کردن سردی داشتم. این چیزی بود که فکر می‌کردم: "تو سرد هستی، و سعی می‌کنی که من سردم شود-- آیا سعی می‌کنی که من یخ بزنم؟ من از تو هم سردتر می‌شوم، من تو را سرد می‌کنم." (حضار می‌خندند. تشویق) یا، "سعی داری که من گرم شود. برعکس می‌کنم و کاری می‌کنم که تو گرم‌تر شود-- آن قدر گرم که نتوانی تحملش کنی." فقط درحال گفتن این فکر هستم. ممکن است نتوانید این کار را کنید. ولی باید آن را با افکار درست اداره کنید، و نباید از آن بترسید. من الان درحال تشریح مطلبی بودم، ولی نروید و نامعقولانه عمل کنید! در مورد شاگردان جدیدتر، اگر فردی در واقع چیز بدی می‌فرستد نترسید. شما مرید دافا هستید-- استاد و فا را دارید! شاید در گذشته به آن چیزی بدهکار شدید، که در این صورت فقط آن را تسویه کنید. ولی شما تزکیه‌کننده‌اید، پس باید نگرانی‌هایتان را رها کنید، و استاد قطعاً از شما نگره‌داری می‌کند. حتی اگر آن بتواند چیزهای خاصی را در شما وارد کند، استاد سریع آن را برای‌تان به چیز خوبی تبدیل می‌کند. (تشویق) استاد از شما مراقبت می‌کند چراکه تزکیه‌کننده‌اید. ولی اگر به این وابسته شوید، اگر وابستگی‌تان رشد کند-- "حالا ترسی ندارم. من استاد را دارم که که از من مراقبت می‌کند. بینم چه بلدی!" (حضار می‌خندند)-- آن وقت ذهنیت اتکالی کامل شما دوباره وابستگی است. و وقتی استاد این وابستگی را می‌بیند از شما نگره‌داری نمی‌کند، و صبر می‌کند که اول وابستگی را رها کنید. فقط منظورم را می‌گویم. تزکیه... تزکیه راجع به ذهن است، درست است؟ نمی‌توانید سست شوید و خودتان را خوب اداره نکنید. به هر چیزی با افکار درست بپردازید، و از هیچ چیز نترسید-- "من در فای درست تزکیه می‌کنم، پس از چه باید بترسم!"

دلیلی که بسیاری از شاگردان در اردوگاه‌های کار اجباری به شدت شکنجه شده‌اند ترس‌شان است. صحبت کردن درباره‌ی آن آسان است، ولی در آن نوع وضعیت شیطانی و وقتی که زیر چنان فشاری هستید مسائل فرق می‌کند. اما به هر صورت هم که باشد، شما کسی هستید که به سمت خدایی شدن می‌روید، پس باید چه کار کنید؟! البته، در بین آنهایی که درگذشتند مواردی نیز هستند که در تاریخ توسط نیروهای کهن نظم و ترتیب داده شدند. برای مثال، قبلاً وقت آخرین دوره‌ی زندگی آن شاگردان، نیروهای کهن ممکن است گفته باشند، "اگر بخواهی وقتی دافا آموزش داده می‌شود دافا را کسب کنی باید این‌طوری بمیری. وگرنه نمی‌گذاریم وارد شوی." بی‌هیچ تردیدی، در آن زمان شاگردان با آن موافقت می‌کردند، موافقت می‌کردند که وقتی زمانش رسید زیر ضرب و شتم کشته شوند. البته، فقط مثالی می‌زنم. در تاریخ آنها واقعاً از راه‌های گریز بسیار بسیار زیادی مثل این سوءاستفاده کرده‌اند و نظم و ترتیب‌های بسیاری ساخته‌اند.

دلیل دیگری هست که چنین اتفاقی می‌افتد: تاریخ بسیار طولانی است. دیده‌اید که بعضی از پلیس‌های شیطانی در اردوگاه‌های کار اجباری در این شکنجه و آزار تعداد بسیار زیادی از مریدان دافای ما را کشته‌اند. اگر این در دوره‌ی اصلاح-فا اتفاق نمی‌افتاد و فرد شکنجه‌شده یک فرد عادی بود، و اگر زمانی که آن پلیس شیطانی بعد از مرگ باز پیدا می‌شد به این دوره برمی‌خورد، فا را کسب می‌کرد، و یک مرید دافا می‌شد، آن وقت آیا فردی که زیر ضرب و شتم کشته شده بود از او نمی‌خواست که زندگی‌اش را بازبپردازد؟ اگر آن موجود بگوید، "من هیچ غرامت دیگری نمی‌خواهم. فقط می‌خواهم زندگی‌ام را با من تسویه کند"-- آنگاه واقعاً وضعیت سختی است. می‌توانم به شما بگویم که استاد می‌تواند برای هر مسئله‌ای راه‌حلی نیک‌خواهانه فراهم کند. آن شاگرد هر چیزی به او بدهکار باشد، می‌توانم به شاگرد کمک کنم که برای او به بهترین شکل جبران کند. و اگر شاگرد آن را نداشته باشد، من، استاد او، می‌توانم آن را به او بدهم-- "به تو سعادت می‌دهم. به خاطر مرگت، حالا می‌توانی پاداش

صعود به آسمان را داشته باشی، پس آیا این نتیجه‌ی حتی بهتری نیست؟" ولی آن موجود نفرت بسیار زیادی دارد، و دست‌بردار نیست-- "می‌گذاری به آسمان بروم؟ حتی اگر بگذاری خدا هم شوم این کار را نمی‌کنم. فقط انتقام می‌خواهم". اینجاست که کار سخت می‌شود. به سادگی چیزی که فکر می‌کنید نیست! به من بگویید، آن وقت چه کار می‌توانیم کنیم؟ تعداد شاگردانی که در گذشته حیاتی را بدهکار شده‌اند کم نیست، اما استاد برای تان به همه‌ی آنها راه‌حلی نیک‌خواهانه بخشیده است.

اما هر طوری هم که باشد، حتی اگر واقعاً پیش از موقع درگذرید، چیزی که انتظار تان را می‌کشد کمال است! (تسویقی) این را از آن نقطه‌نظر این‌گونه بیان کرده‌ام. با وجود اینکه این را گفته‌ام، تا زمانی که مسیری درست را بروید در واقع می‌توانم به هر چیزی راه‌حلی نیک‌خواهانه بدهم. می‌توانم آن تفکر افراطی را مطمئناً خوب کنم، و آن وقت می‌توانم کاری کنم که زندگی‌اش را پس نخواهد، چراکه من می‌توانم گره ذهنی او را با فا باز کنم-- می‌توانم هر کاری کنم. ولی وقتی وابستگی‌هایی دارید و نمی‌توانید رها کنید، آنگاه نمی‌شود آن گره را باز کرد و استاد در موقعیت سختی قرار می‌گیرد.

پرسش: این پدیده وجود دارد: بعضی جاها وقتی فا را گروهی مطالعه می‌کنند، تمایل دارند مقالات جدیدی را که استاد منتشر کرده‌اند خیلی بخوانند، و به آن اندازه جوآن فالون را به صورت مکرر نمی‌خوانند. و وقتی فا را در گروهی بزرگ مطالعه می‌کنند، عده‌ی کمی از افراد مسئول غالباً در مورد فایی که استاد به گروه‌های کوچکی آموزش داده‌اند صحبت می‌کنند.

معلم: اینجا دو موضوع هست. اولین موضوع این است که آنچه اخیراً در وقت‌های مختلف گفته‌ام مکمل جوآن فالون هستند. فقط ارتباطشان را به خاطر داشته باشید، و اینکه چیزی که باید به طور متناوب مطالعه کنید جوآن فالون است. موضوع دوم این است که بعد از اینکه عده‌ای از شاگردان ما صحبت‌هایی در موقعیت‌های به‌خصوص را شنیدند، رفتند و آن را دهان به دهان پخش کردند. من پیش از این درباره‌ی این موضوع بارها صحبت کرده‌ام. چیزی که در موقعیت‌های به‌خصوص می‌گویم کاربرد جهانی ندارد، و شاید به طور خاص هدفش آن افرادی بود که حاضر بودند. اگر برگردید و به دیگران بگویید، وقتی آن را به آنها می‌گویید آن معنای درونی را که همراه کلمات من بود نخواهد داشت، و آن سایرین مخاطب مورد نظر نیستند. بنابراین اثر خود را از دست خواهد داد، و وقتی دیگران آن را می‌شنوند احساس ناراحتی می‌کنند. در عین حال، وقتی آن را می‌گویید وابستگی‌هایتان را نیز در آن می‌گذارید. بیشتر اوقات نوعی خودنمایی مطرح است، ظریف و نیمه‌آگاهانه. فکر می‌کنم که بعد از این باید پخش کردن آن چیزها را متوقف کنید. بعد از اینکه صحبت‌هایی را می‌شنوید، می‌گویم صرفاً بگذارید باشد. می‌دانید، آن تزکیه‌کنندگانی که هزار سال تزکیه می‌کردند، بعد از اینکه ذره‌ای از حقیقت را یاد می‌گرفتند آن را پیش خودشان نگه می‌داشتند. صدها سال، یا حتی هزار سال آن را نگه می‌داشتند و آن را به دیگران نمی‌گفتند (حضار می‌خندند)-- "اگر کسی بخواهد در مورد این یک‌ذره چیزی که دارم بداند، آن‌ها باید چیزی در عوضش بدهند!" ولی شماها، "ور ور..." می‌روید و همه‌اش را می‌گویید! (معلم می‌خندد) شما چیزها را درون تان نگه نمی‌دارید. (حضار می‌خندند)

پرسش: مریدان دافا در سرزمین چین به چه صورت به کمال خواهند رسید؟

معلم: یکسان خواهد بود، صورت کلی یکسان است. اما یک چیز هست: اگر فرد را من نپذیرم و رد کنم، عملی نیست. بنابراین برای آنهایی که زود درگذشتند، با اینکه تعیین کردم که آنها به کمال می‌رسند، در حقیقت در مکان خاصی منتظرند. باید من آنها را بپذیرم. آنهایی را که من نپذیرم تصدیق نمی‌شوند. بنابراین تمام آنها منتظر نتیجه‌ی نهایی هستند. البته، حالا درحالی که منتظرند هیچ سختی ندارند. خودآگاه آنها به طور کامل واضح و روشن و در حالت یک خدا است، و این فقط مسئله‌ی برگشت به جایگاهشان است.

پرسش: در این زمان حیاتی در اصلاح- فاء، بعضی از هم‌تزکیه‌کنندگان قدیمی، در زمان‌های مختلف، تا درجاتی مختلف محنت‌هایی داشته‌اند. ما چگونه باید با این هم‌تزکیه‌کنندگانی که محنت‌هایی را تجربه می‌کنند رفتار کرده و کمک‌شان کنیم؟

معلم: در تزکیه اینکه شخصی زودتر شروع کرده است یا دیرتر اهمیتی ندارد. و اینکه کسی خوب تزکیه می‌کند هم به این نیست که زودتر شروع کرده یا دیرتر. اگر فردی بتواند افکار درست و اعمال درست داشته باشد، و وابستگی‌هایش را رها کند، آن وقت او فرق می‌کند. دار و دسته‌ی بد و شیطانی اراذل در سرزمین چین که در حال شکنجه‌ی مریدان دافا بوده‌اند درباره‌ی آن این‌گونه فکر کرده‌اند، "آهان، او شاگرد قدیمی است. اگر وادارش کنیم چیزی بنویسد دیگران هم پیروی می‌کنند". اما مگر چنین چیزی می‌شود؟! وقتی افراد عادی تزکیه‌کنندگان را شکنجه و آزار می‌دهند هیچ‌گاه نمی‌توانند آن‌ها را درک کنند. هر کسی خودش را تزکیه می‌کند و در مسیر خودش می‌رود، و هیچ کس به هیچ کسی نگاه نمی‌کند، نگاه نمی‌کند کسی پیر است یا جوان، یا فردی تمرین را زود شروع کرده است یا دیر. به عنوان استاد، من تمام مریدان را به یک شکل راهنمایی می‌کنم. بنابراین در مورد اینکه چگونه می‌توانید به آن فرد کمک کنید، کاری که از دست‌تان برمی‌آید این است که، اول از همه، به او کمک کنید که مسائل را از فا درک کرده و رشد کند. و کار دیگر این است که همه‌ی شما با هم افکار درست بفرستید، و آنچه را یک مرید دافا برای نجات موجودات ذی‌شعور باید انجام دهد بیشتر انجام دهید. تمام این چیزها می‌تواند به فرد کمک کند.

پرسش: هر زمان که در اصلاح- فاء پیشرفت مهمی می‌کنیم، همیشه بعضی رویدادهای عادی ناگهان اتفاق می‌افتد که تداخل ایجاد کنند. مثلاً رویداد "۹-۱۱"، حادثه‌ی شاتل فضایی، موضوع عراق، موضوع کره [شمالی]، و غیره. ما چگونه باید به این مداخله نگاه کنیم؟

معلم: همین‌طور است. چرا آن کشورهایی که از عدالت دفاع می‌کنند چشم‌شان را به روی شکنجه و آزار حکومت چین علیه چنین گروه بزرگی از مردم جامعه که بخشی از جریان اصلی اجتماع هستند، می‌بندند؟ چرا ساکت می‌مانند؟ آنها برای خود دلایلی دارند، ولی تداخل نظم و ترتیب داده شده توسط نیروهای کهن هم هست، که آنها را سرگرم آن تروریست‌ها می‌کنند. برای همین است که هر چند وقت یک‌بار تروریست‌ها پیدایشان می‌شود، هر از چند گاهی حواس آنها را پرت می‌کنند، و مانع از این می‌شوند که آنها روی هدف واقعی بودن‌شان متمرکز شوند.

پرسش: درود به استاد از جانب مریدان در انگلستان.

معلم: متشکرم!

پرسش: ما به منظور نجات اعضای خانواده‌مان که در چین باز پیدا شده‌اند، نمایش‌های طنزآمیزی ساخته‌ایم و آنها را در خیابان اجرا می‌کنیم. یکی از ما باید نقش یک آدم پلید و شیطانی را بازی کند. استاد، آیا درست است که از یک مرید دافا خواست آن نقش را بازی کند؟

معلم: مهم نیست. اشکالی ندارد که آن نقش را بازی کند. ولی، وقتی من می‌بینم مریدان دافایمان نقش آن افراد بد را بازی می‌کنند راحت نیستم. اگر لازم است، پس فقط انجامش دهید، اهمیتی ندارد، و در حقیقت تأثیری روی هیچ چیز ندارد. به هر صورت، غیر از این، چه کاری از دست‌تان بر می‌آید-- باید مریدان دافا باشند که به فا اعتبار می‌بخشند. من معمولاً در رسیدن به بعضی ایده‌ها به آنها کمک می‌کردم، و پیشنهاد کردم که وقتی برنامه‌ی تلویزیونی درست می‌کنیم شاید بتوانیم از دوستانمان بخواهیم که نقش‌های منفی را بازی کنند. (حضور می‌خندند) شما صرفاً از آنها می‌خواهید که بازیگر باشند. الان پولی موجود نیست، اما در آینده وقتی به سود رسیدید، وقتی که پول داشتید می‌توانید به آنها بپردازید. (حضور می‌خندند) شوخی بود! واقعاً، به هر حال، اهمیتی ندارد.

پرسش: آیا در آینده نژاد بشر و موجودات دیگر هم‌زمان با هم وجود خواهند داشت؟ مریدان چگونه باید به آن فکر کنند؟

معلم: آیا در آینده نژاد بشر و موجودات دیگر هم‌زمان با هم وجود خواهند داشت؟ یک‌بار که اصلاح دنیای بشری توسط فایده‌یافتد همان موقع تغییرات خیلی زیادی در کار نخواهد بود. در مورد اینکه در آینده روی زمین چه چیزی وجود خواهد داشت، این به نیازهای نژاد بشر بستگی خواهد داشت. هرچیزی در آسمان اعجاب‌انگیز است، آن قدر عالی که نمی‌شود گفت. حتی خدایان، یعنی، خدایانی که بعد از حل و فصل نیک‌خواهانه وارد کیهان جدید می‌شوند جا می‌خورند. (تشویق) انسان‌ها فکر می‌کنند که خدایان اعجاب‌انگیز هستند، و اینکه دنیاهای خدایان عالی است، ولی اگر آنجا می‌رفتند و نگاهی می‌انداختند، پی می‌بردند که آن مکان‌های قدیمی دیگر به آن عالی‌ای نیستند—این قدر فرق زیاد است. در مورد اهریمن‌ها، آنها نیز اعضای کیهان هستند. در کیهان، تناظر بین موجودات مثبت و منفی نمی‌تواند حذف شود.

ساعت چند است؟ (تشویق) آیا باید اینجا خاتمه دهیم؟ این تمام صحبت‌هاست. (تشویق طولانی برای درخواست از معلم که بماند) پس پرسش‌های دیگری را هم پاسخ می‌دهم. (تشویق)

پرسش: ممکن است به ما بگویید که در مورد دعوی قانونی علیه آن بدنهاد، آن سردسته‌ی اهریمن در چین، چه نظری دارید؟ (حضور می‌خوانند)

معلم: در چین برای همه ممکن نیست که واقعیت‌ها را بدانند و بنابراین در مورد فالون گونگ با نگرشی مثبت آگاه شوند، ولی همه به آن بدنهاد ناسزا می‌گویند—این قدر بد است. (تشویق) پس آیا نباید آن را به دادگاه فرستاد؟ (تشویق) معلم می‌خواند (تشویق)

پرسش: استاد گرانقدر، لطفاً مرا در این مورد روشن کنید: وقتی که ما روبروی کنسولگری چین تظاهرات می‌کنیم، شیطان پلیس‌ها را زیر کنترل می‌گیرد تا برای ما در دسر درست کنند. من فکر می‌کنم که طبق آنچه شما، استاد گرانقدرمان، گفته‌اید، ما باید سه کار را به خوبی انجام دهیم، که اولین آنها آشکارسازی واقعیت‌ها است. و شما گفتید که وقتی به مشکلات برمی‌خوریم نباید تغییر مسیر بدهیم بلکه باید با آنها رودررو شویم...

معلم: درست است. وقتی با آن نوع وضعیت مواجه می‌شویم باید آن را حل و فصل کنیم. یادتان باشد: هر جا مشکلی پیش می‌آید، همان جا جایی است که لازم است واقعیت‌ها را روشن کنید. (تشویق) در مورد اینکه نتیجه‌ی خوبی بگیرید یا نه، به طرف مقابل نگاه نکنید، [نتیجه‌ی کار] از ذهن شما ناشی می‌شود. اگر بخواهید نتیجه خوب باشد خوب می‌شود. و اگر قصد نداشته باشید آن را خوب کنید، یا اگر ذهن‌تان متزلزل باشد، آن وقت اصلاح کردن امور آسان نیست. به عبارت دیگر، لازم است افکار درست قوی داشته باشید. اگر در حال فکر کردن درباره‌ی این هستید، "من واقعاً در حال نجات شما هستم. واقعاً در حال گفتن واقعیت‌ها به شما هستم"، آن موقع نتیجه خوب می‌شود. بهترین سعی‌تان را بکنید که با افراد خارج از سرزمین چین نیز با مهربانی رفتار کنید. البته، خارج از چین نیز، افرادی هستند که امیدی به آنها نیست. شاید به آنها بر بخورید، شاید بر نخورید. اما هر طور هم که باشد، ما باید خودمان به شکل درست و صالح رفتار کنیم. دست کم نباید ناامیدشان کنیم، نباید موجودات ذی‌شعور را ناامید کنیم. حاصل بسیاری از چیزها به این بستگی دارد که مردم چگونه آنها را اداره می‌کنند. بهترین سعی‌تان را بکنید، و مسائل را بدتر نکنید.

(پایان بخش اول)